

دانشگاه و قیام

گزارشی از فعالیت دانشجویان و اساتید دانشگاه تربیت مدرس در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی

شهریور ۱۴۰۲

با یادی از کشته‌شدگان، زندانیان و قربانیان راه بلند آزادی و برابری در تاریخ معاصر و گذشته ایران و با تقدیر از دانشجویانی که در جنبش‌های رهایی‌بخش زن، زندگی، آزادی حضور یافتند و با مقاومتشان در برابر استبداد حاکم، توانستند جامعه ایران را گامی به سوی آزادی و برابری نزدیک کنند. و با سپاس از دانشجویانی که بعد از سرکوب‌های گسترده و افول جنبش، همچنان پرچم مبارزه را در شکل‌های گوناگون برای پایان دادن به تحمیل حجاب اجباری، و دیگر اشکال استثمار بر تن، کار و عقل برافراشته نگه داشتند.

Contents

پیش‌درآمد	۵
بخش نخست) دانشگاه تربیت مدرس و جنبش دانشجویی	۶
بخش دوم) کنش‌های دانشجویی	۸
۱-۲- تجمعات	۸
۲-۲- تحصن‌ها	۲۰
۳-۲- اعتصاب	۲۱
۴-۲- هنر اعتراضی	۲۱
۱-۴-۲- کلیپ‌های اعتراضی	۲۲
۲-۴-۲- هم‌خوانی با سرودها	۲۲
۵-۲- مقابله با تفکیک جنسیتی در سلف	۲۳
۶-۲- بیانیه‌ها، شب‌نامه‌ها و مدرس‌نامه	۲۳
۷-۲- شعاردهی شبانه در خوابگاه‌ها	۲۴
۸-۲- شعارنویسی	۲۴
۹-۲- فعالیت‌های مجازی	۲۵
۱۰-۲- نامهٔ سرگشاده به ریاست دانشگاه ۲۸ آذر	۲۵
بخش سوم) سرکوب در طول قیام و پس از آن	۲۶
۱-۳- حراست	۲۶
۲-۳- بسیج	۲۶
۱-۳-۲- بسیج اساتید	۲۶
۲-۳-۲- بسیج کارکنان	۲۷
۳-۳-۲- بسیج دانشجویی	۲۷
۳-۳- نیروهای لباس شخصی	۲۷

- ۳-۴- انجمن اسلامی دانشجویان مستقل ۲۷
- ۳-۵- ارباب و پرونده‌سازی در فضای مجازی ۲۷
- ۳-۶- نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه ۲۸
- بخش چهارم) کمیته انضباطی ۲۸
- ۴-۱- گستردگی احضارها و تعدد پرونده‌ها ۲۸
- ۴-۲- غیرقانونی بودن رویه‌ها ۲۹
- بخش پنجم) اساتید: کنش‌ها و سرکوب ۳۱
- ۵-۱- کنش‌های جمعی ۳۱
- ۵-۲- کنش‌های فردی ۳۲

پیش در آمد^۱

بی‌گمان پاییز ۱۴۰۱ را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ نه‌چندان بلند جنبش دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس توصیف کرد. هم‌گام با فراگیر شدن موج اعتراضات در خیابان‌ها و دیگر دانشگاه‌های سراسر کشور، در اعتراض به قتل مهسا (ژینا) امینی، دانشگاه تربیت مدرس نیز شاهد اوج‌گیری اعتراضات و کنش‌های جمعی دانشجویان بود. از ۲۸ شهریور ماه ۱۴۰۱، که نخستین تجمع اعتراضی در پاسخ به فراخوان دانشجویان، با جمعیتی حدود ۷۰ نفر، شکل گرفت، رفته‌رفته بر تعداد تجمعات و همچنین تعداد دانشجویان حاضر در تجمعات افزوده شد - جمعیت شرکت‌کنندگان به حدود ۷۰۰ نفر هم رسید - مضامین و لحن شعارها تندتر، صریح‌تر و ساختارشکنانه‌تر شد و کنش‌های جمعی خودجوش و بی‌فراخوان فزونی گرفت. گویی دانشجویان رفته‌رفته اعتماد به نفس جمعی خویش را بازیافتند، اجتماع خود را ساختند و توانستند طلسم فضای سرد و صلب سالیان دانشگاه را درهم‌بکوبند و طنین صدای خود را رساتر از همیشه در صحن آن بگسترانند. چنین روندی را می‌توان در پرتو شرایط ساختاری و سابقه امنیتی حاکم بر دانشگاه تربیت مدرس، که در ادامه گزارش به آن می‌پردازیم، فهم کرد. به موازات گسترش دامنه اعتراضات، ماشین سرکوب حداکثری نیز با انواع سازوکارهای خود به‌کارافتاد و عرصه را بر تداوم اعتراضات دانشجویی تنگ کرد. از همین رو، فرم‌های جدید و خلاق اعتراضی در قالب کنش‌های فردی و جمعی، در تناسب با فضای به‌شدت امنیتی دانشگاه، شکل گرفت. اعتراضات دانشجویان، هرچند زیر فشار و سرکوب، تا خرداد ۱۴۰۲ ادامه یافت. شاید ادعای گزافی نباشد بگوییم جنبش زن، زندگی، آزادی امکانی ساخت که سوژه‌های سیاسی دانشجو در دل دانشگاه تربیت مدرس متولد شدند؛ به‌عبارتی، دانشگاه امنیتی و محافظه‌کار تربیت مدرس - به تعبیری «چشم نظام» - نیز به دانشگاه‌های سیاسی کشور پیوست.

تصاویر اعتراضات دانشجویی ۱۴۰۱ را که با اعتراضات مشابه در سال‌ها و دهه‌های پیش قیاس می‌کنیم، نخستین تفاوت بارز حضور چشم‌گیر و غالب زنان در قیام ژینا است. در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ در تربیت مدرس بین ۵۰ الی ۶۰ درصد جمعیت دانشجویان معترض را زنان تشکیل می‌دادند.

در طول جنبش، سه دانشجو و چهار دانش‌آموخته تربیت مدرس مدتی در بازداشت بودند که همگی در خارج از دانشگاه دستگیر شده بودند. تاریخ بازداشت و آزادی هر یک را در بخش تجمعات ذکر خواهیم کرد. دانشجویان بازداشتی با تحمل حبس‌های بین ۱۰ تا ۲۰ روزه، پس از طی مراحل قانونی آزاد شدند و پرونده‌شان مختومه اعلام

^۱ به دلیل در دسترس نبودن تصویر و گزارش از تمامی لحظات اعتراضات، طبیعتاً بخش زیادی از جزئیات وقایع امکان ثبت نیافتند. این گزارش و داده‌های آن متکی بوده است بر گزارش‌ها، اخبار و تصاویر مندرج در کانال توئیتر دانشجویی تربیت مدرس و کانال شورای صنفی کشوری و همچنین روایت‌های برخی فعالین دانشجویی. پرواضح است که این گزارش نمی‌تواند به‌تنهایی روایت‌گر تمامی واقعیت باشد.

گردید. اگرچه چند نفر از دانش‌آموختگان تربیت مدرس، بدون برگزاری دادگاه، با قرار وثیقه آزاد شدند، برای یک نفر از آن‌ها حکم سه سال حبس صادر گردید که در نهایت، در پی عفو عمومی آزاد گردید؛ وضعیت پرونده یکی دیگر از دانش‌آموخته‌ها نیز نامعلوم است.

پیش از پرداختن به شرح گزارش و به‌منظور فهم بهتر اهمیت اعتراضات دانشجویی ۱۴۰۱ در دانشگاه تربیت مدرس، ابتدا مرور مختصری بر شرایط ساختاری این دانشگاه و وضعیت حاکم بر جنبش دانشجویی آن خواهیم داشت.

بخش نخست) دانشگاه تربیت مدرس و جنبش دانشجویی

بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، با تعطیلی دانشگاه‌ها و شروع تصفیه و پاکسازی دگراندیشان از دانشگاه و آغاز انقلاب فرهنگی توسط شورای عالی انقلاب، در سال ۱۳۶۰ ایجاد مرکزی به عنوان «مدرسه‌ی تربیت مدرس» و با هدف تربیت کادر هیأت علمی، تصویب شد و بعد از مدتی شروع به کار کرد و از سال ۱۳۶۵ به «دانشگاه تربیت مدرس» تغییر یافت. تربیت مدرس تنها دانشگاه تحصیلات تکمیلی در نظام آموزشی ایران است که در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی به فعالیت می‌پردازد.

در میان دانشگاه‌های پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس به دانشگاهی حکومتی و امنیتی شهره است. دلیل عمده آن را می‌توان در اهداف متولیان جمهوری اسلامی از تأسیس آن در دهه ۶۰ دانست. راه ورود برای هیأت علمی شدن در سال‌های اولیه تنها از طریق ارتباط با حزب جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و تأیید آن‌ها بوده است. دو طیف قدرت در نظام سیاسی حکومت، یعنی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، از نفوذ بالایی در این دانشگاه برخوردار بوده‌اند. مهره‌چینی در منصب‌های هیأت علمی دانشکده‌های این دانشگاه از دهه‌های ۷۰ و ۸۰ توسط این دو طیف انجام شد و چهره‌هایی مانند: میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق؛ علیرضا بهشتی، فرزند آیت‌الله بهشتی؛ محمود صادقی، فرزند محمد حسین صادقی از قربانیان بمب گذاری حزب جمهوری اسلامی در دهه ۶۰؛ عطاء الله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی و از چهره‌های امنیتی دهه ۶۰؛ هاشم آقاجری، جانباز و محکوم اعدامی؛ معصومه ابتکار و جعفر توفیقی از دیگر چهره‌های حکومتی هستند که در طیف اصلاح‌طلبان در این دانشگاه حاضر بودند.

در تقسیم قدرت در تربیت مدرس، اصول‌گرایان و نظامیان رده بالا نیز بی‌بهره نبودند و چهره‌هایی مانند: یحیی رحیم صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران؛ محمد باقر قالیباف، رئیس فعلی مجلس و فرمانده سابق نیروی انتظامی؛ کامران دانشجو و محمد مهدی زاهدی، وزیرای علوم در دولت احمدی‌نژاد؛ عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور روحانی؛ سعید محمد، فرمانده قرارگاه خاتم، برای دوره‌ای در این دانشگاه حاضر بوده‌اند.

با این شرح مختصر از فضای امنیتی و محافظه‌کار دانشگاه و شرایط ساختاری آن می‌توان به برخی دلایل زمینه‌ای محدودیت‌ها و موانع برای فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویی در این دانشگاه اشاره کرد:

الف) فقدان سنت تاریخی مبارزات دانشجویی، به سیاق دانشگاه‌های پیش از انقلاب نظیر دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر، به سبب قدمت تاریخی کمتر دانشگاه

ب) عدم حضور دانشجویان در مقطع کارشناسی در دانشگاه (که معمولاً موتور محرکه جنبش‌های دانشجویی‌اند)

پ) عدم حضور دانشجویان به طور مداوم و پیوسته در دانشگاه (با توجه به کوتاه بودن دوره کارشناسی ارشد و برنامه هفتگی دو روز کلاس در هفته، و شاغل بودن تعداد زیادی از دانشجویان در مقطع دکتری، برنامه هفتگی یک روز کلاس در هفته)

ت) فقدان سنت انتقادی در دانشگاه از بدو تأسیس دانشگاه تا امروز

ج) رؤیای مهاجرت در بین دانشجویان و تلاش برای مهاجرت علمی به دانشگاه‌های خارج از کشور

چ) تضعیف شورای صنفی با رد صلاحیت دانشجویان

ح) رویکرد محافظه‌کارانه اعضای هیأت علمی

د) خلاء تشکل‌های دانشجویی مستقل و فعال

ذ) حضور مداوم مقامات جمهوری اسلامی به عنوان هیأت امناء، هیأت علمی و تأسیس دانشگاه در آغاز انقلاب (این مورد منجر به امنیتی کردن فضای دانشگاه شد)

ر) فقدان فضای عمومی در دانشگاه و محدودیت در امکان گفتگوی مستقیم دانشجویان (تنها فضای عمومی در دانشکده علوم انسانی توسط بسیج در سال ۹۸ پلمپ شد)

با در نظر گرفتن این پیش‌زمینه است که می‌توان دید چرا سابقه اعتراضات سیاسی دانشجویی در تربیت مدرس سنتی دیرپا و گسترده نبوده است. به جز اعتراضات دهه ۸۰ (اعتراض به حکم اعدام هاشم آقاچری در سال ۸۱ و اعتراضات ۸۸)، بخش عمده فعالیت‌های دانشجویی تا به امروز در راستای پیگیری مطالبات صنفی بوده است.^۲ هرچند اعتراضات دهه ۹۰ از پشتوانه یک شورای صنفی قدرتمند و فعال برخوردار بود اما با رد صلاحیت‌های گسترده داوطلبین در انتخابات دور بعد، یعنی سال ۹۸-۹۹، مقامات دانشگاه توانستند یکی از نهادهای قدرتمند دانشجویی را خنثی کنند و این فعالیت دانشجویی را بیش از پیش سخت کرد. شیوع کرونا و تعطیلی دانشگاه نیز

^۲ تنها تجمع سیاسی دهه ۹۰، تجمع دانشجویان در همبستگی با قربانیان هواپیمای اکرایی بوده است.

ضربه عمیقی بر پیکر نحیف جنبش دانشجویی وارد آورد. در چنین بستری است که جنبش زن، زندگی، آزادی را می‌توان تحولی ژرف در فضای بسته و رخوت‌زده تربیت مدرس و سرآغاز فصلی درخشان در جنبش دانشجویی آن قلمداد کرد.

پیش از ورود به بخش بعدی گزارش، درنگی کوتاه بر موقعیت مکانی دانشگاه نیز می‌تواند به فهم بهتر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های دانشگاه، از حیث فعالیت‌های جمعی دانشجویی، روشن‌گر باشد.

موقعیت مکانی دانشگاه: از کل مجموع ۱۷ دانشکده دانشگاه تربیت مدرس، تمام دانشکده‌ها - به استثنای دانشکده‌های کشاورزی، منابع طبیعی و علوم دریایی^۳ - در فاصله‌ای نه چندان دور از هم در پردیس مرکزی دانشگاه واقع شده‌اند. مساحت کم فضای پردیس مرکزی و تراکم دانشکده‌ها فضای خالی محدودی برای گردهم‌آیی دانشجویان دانشگاه، در قیاس با دانشگاه‌های بزرگ پایتخت (دانشگاه تهران، بهشتی، علامه...) به دست می‌دهد؛ به‌طور کلی، محدودیت فضای مکانی بعضاً می‌تواند بر امکان شکل‌گیری تجمعات گسترده و تسهیل یا تحدید آن تأثیری هرچند محدود بگذارد.

تربیت مدرس در ضلع شرقی با دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و در ضلع غربی با دانشکده مدیریت دانشگاه تهران مجاورت دارد. این مجاورت مکانی واجد ظرفیت‌هایی برای همبستگی میان دانشجویان دو دانشگاه است که در طول قیام ژینا نیز لحظاتی از آن در خاطر دانشجویان دو دانشگاه نقش بست.

بخش دوم) کنش‌های دانشجویی

۲-۱- تجمعات

در ساعات آغازین روز دوشنبه، ۲۸ شهریور ماه ۱۴۰۱، نخستین فراخوان دانشجویی برای تجمع در دانشگاه در اعتراض به قتل مهسا (ژینا) امینی در کانال توئیتر دانشجویی تربیت مدرس منتشر شد. ساعاتی مانده به آغاز تجمع، دانشجویان در کانال توئیتر از ضرورت حضور خود در تجمع می‌نوشتند. در ساعت ۱۲ ظهر^۴، مطابق فراخوان، حدود ۳۰ نفر از دانشجویان با در دست داشتن شاخه‌های گل و عکس‌هایی از مهسا امینی مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه گرد هم جمع شدند. هسته اولیه تجمع‌ها در تربیت مدرس معمولاً مقابل ساختمان مرکزی، یعنی محل استقرار دفتر ریاست دانشگاه، شکل می‌گرفت؛ شاید با این نیت که دانشجویان صدای اعتراض خود را به گوش ریاست دانشگاه برسانند. حال آن‌که، وعده‌گاه نیروهای وابسته به قدرت، اعم از بسیج دانشجویی یا دیگر نیروهای

^۳ دانشکده کشاورزی در ۲۷ کیلومتر اتوبان تهران-کرج و دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی در شهرستان نور مازندران واقع شده‌اند.

^۴ تجمع‌ها معمولاً از ساعت ۱۲ ظهر الی ۲ بعدازظهر انجام می‌شد.

هم‌سو با حاکمیت، اغلب در صحن بیرونی مسجد دانشگاه، در نزدیکی ساختمان مرکزی، بوده است. می‌توان گفت به مرور زمان فضای عمومی دانشگاه به صورت نمادین به این شکل میان دانشجویان معترض و حامیان حکومت تقسیم شده است. با شکل‌گیری هسته اولیه تجمع، دانشجویان شعار سر دادند: «زن، زندگی، آزادی»، «رهایی حق ماست، قدرت ما جمع ماست»، «حجاب زن بهانه ست، هدف حذف زنان است»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان»، «از کردستان تا تهران، خونین تمام ایران»، «کردستان کردستان گورستان فاشیستان»، «کردستان کردستان، چشم و چراغ ایران»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد». از همان دقایق آغازین تجمع، بسیج دانشگاه کوشید تا با پخش نوحه از بلندگوهای مسجد در روند تجمع دانشجویان و شنیده شدن صدای شعارهایشان اخلاص ایجاد کند. جمع دانشجویان، که رفته‌رفته بر تعدادشان افزوده می‌شد و به حدود ۷۰ نفر رسیده بود، در صحن دانشگاه به صورت خودجوش به راه افتادند و شعارگویان به سمت سردر دانشگاه رفتند. نیروهای حراست و لباس شخصی دانشگاه در طول مدت تجمع حضور داشتند و اقدام به عکس و فیلم‌برداری از دانشجویان نمودند. در بیانیه‌ای که همان روز در کانال توئیتر دانشجویی منتشر شد، دانشجویان هشدار دادند که در صورت احضار یا تهدید هر یک از معترضان، سکوت نخواهند کرد و در پاسخ دست به تحصن خواهند زد.

سه‌شنبه ۲۹ شهریور: یکی از دانشجویان دکتری مهندسی آب بازداشت شد.

پنج‌شنبه ۳۱ شهریور: یکی از دانش‌آموخته‌های کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی بازداشت شد. (خبر بازداشت این دانشجو، یک هفته بعد، ۶ مهر، برای نخستین بار رسانه‌ای شد.)

دومین تجمع دوشنبه، ۴ مهر، در همبستگی با مردم معترض و دانشجویان زندانی، از جمله دانشجوی بازداشتی تربیت مدرس، برگزار شد. حضور کارمندان حراست دانشگاه، لباس شخصی و بسیج دانشجویی به‌وضوح پررنگ‌تر از تجمع قبل بود و این بار نیز بسیج دانشگاه تلاش کرد با پخش نوحه از بلندگوهای مسجد، در روند تجمع اخلاص ایجاد کند. تعداد اندکی از دانشجویان بسیجی نیز پلاکارد به‌دست در برابر دانشجویان ایستاده بودند. تجمع از مقابل ساختمان مرکزی، با جمعیتی بیشتر از تجمع پیشین، آغاز شد. دانشجویان شعار دادند: «زن، زندگی، آزادی»، «دانشگاه آزاد است، بنیادتان بر باد است»، «استاد، دانشجو، اتحاد اتحاد»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «زهر کشکی آزاد باید گردد»، «آهای آهای نشسته‌ها، مهسای بعدی از شماست»... جمعیت دانشجویان که بالغ بر ۱۰۰ نفر بودند، در نهایت با قرائت بیانیه‌ای به تجمع خود پایان دادند و در بخش پایانی بیانیه اعلام کردند که در کلاس‌های درس حاضر نخواهند شد و از اساتید نیز دعوت کردند تا در کنار دانشجویان بایستند.

در همین روز، یکی از دانش‌آموخته‌های کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی بازداشت شد.

۵ مهر، یکی از دانشجویان دکتری ادبیات بازداشت شد.

به دنبال اعتراض دانشجویان به بازداشت هم‌دانشگاهی‌های خود، فرهاد دانشجو، ریاست دانشگاه، در مصاحبه‌ای بر پیگیری وضعیت دو دانشجوی بازداشت شده تأکید کرد و اعلام داشت با برخی مقامات حراستی و امنیتی دیداری داشته و وعده آزادی دانشجویان را داد.

شنبه ۹ مهر به دنبال فرخوان اعتصاب و تحصن، در اعتراض به بازداشت دانشجویان، حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان مقابل ساختمان مرکزی، با در دست داشتن پلاکاردهایی تحصن کردند. آغاز تحصن همراه بود با هم‌خوانی جمعی دانشجویان با ترانه «همراه شو عزیز»، «یار دبستانی» و «برای». این نخستین تحصن دانشجویی در دانشگاه تربیت مدرس بود. تحصن‌کنندگان بر روی پلاکاردها، علاوه بر عکس‌هایی از مهسا امینی و دیگر کشته‌شدگان و شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی» و «آزادی حق ماست، قدرت ما جمع ماست»، اسامی هم‌دانشگاهی‌های خود را نوشته بودند و خواستار آزادی آن‌ها بودند. آن‌ها فریاد می‌زدند: «تا دانشجو زندانبه، هر روز همین بساطه». گفتنی است که مسئولین دانشگاه به جای سیاست اخلال در تجمع با پخش نوحه، این بار فضای مقابل ساختمان مرکزی، که وعده‌گاه همیشگی دانشجویان برای تجمع بود، را با تعداد زیادی عکس از شهدای جنگ و پوسترهایی از گفتارهای شعاری حکومتی پر کرده بودند. این عکس‌ها و نوشته‌ها تا مدت‌ها بعد، تا فروکش کردن تجمعات، بر جای خود باقی ماندند. با اضافه شدن جمعیت، دانشجویان در فضای دانشگاه به‌راه افتادند و با سر دادن شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی»، «استاد، دانشجو، اتحاد اتحاد»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» «اوین شده دانشگاه، ایران شده بازداشتگاه»، از مقابل سلف پسران و کتابخانه مرکزی عبور کردند تا به سردر دانشگاه رسیدند. راه‌پیمایی در محوطه دانشگاه و توقف جمعیت شعارگو در مقابل بخش‌ها و دانشکده‌های مختلف دانشگاه همواره فرصتی فراهم می‌کرد تا تعداد بیشتری از دانشجویان به تجمع بپیوندند. بنا بر گزارش برخی دانشجویان، در این روز نهادهای اطلاعاتی از شماره خصوصی با تعدادی از دانشجویان تماس گرفتند و آنها را تهدید به بازداشت کردند. با وجود نیروهای پرشمار حراست و لباس شخصی و بسیج درگیری‌ای با دانشجویان بروز نکرد و طبق روال معمول عکس‌برداری و فیلم‌برداری از تجمع‌کنندگان ادامه داشت. برخی دانشجویان از حضور چند نفر با لباس نیروی انتظامی در محوطه دانشگاه، حوالی ساعت شش بعدازظهر، گزارش دادند.

یکشنبه ۱۰ مهر: در اعتراض به بروز فضای امنیتی در دانشگاه، بازداشت هم‌دانشگاهیان و نیز در همبستگی با دیگر دانشجویان در بند، فراخوان اعتصاب و تحصن روز قبل در کانال توئیتر منتشر شد. ظهر مقابل ساختمان مرکزی، تحصن با هم‌خوانی حدود ۸۰ نفر از دانشجویان با سرودهای «همراه شو ای عزیز»، «یار دبستانی من» و «برای» آغاز شد. نیروهای حراست و لباس شخصی و بسیج نیز، طبق روال معمول، اطراف تحصن‌کنندگان بودند. با افزایش جمعیت، که حالا به ۲۰۰ تن می‌رسید، دانشجویان شعار می‌دادند: «آزادی حق ماست، ژینا اسم رمز ماست»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «دانشگاه امنیتی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم» و یک‌به‌یک، نام هم‌دانشگاهی‌های

دریند را صدا می‌زدند و خواستار آزادی آن‌ها بودند. در میانهٔ تحصن، دانشجویان با شعار «آقای دانشجو، وعدهٔ آزادی کو؟» ریاست دانشگاه را فراخواندند. در پی تکرار درخواست دانشجویان، فرهاد دانشجو در میان تحصن‌کنندگان حاضر شد. او رو به دانشجویان اظهار داشت که مسئولیت آزادی دانش‌آموختگان با او نیست اما با خانواده‌های دانشجویان در بند صحبت کرده و پیگیر آزادی آن‌هاست. او در پاسخ به اعتراض دانشجویان مبنی بر حضور نیروهای پلیس امنیتی در دانشگاه گفت: «هیچ نیروی مسلحی اجازهٔ ورود به دانشگاه به قصد انجام عملیات نظامی را نداشته و مأموران مشاهده‌شده آمده بودند آب بخورند!». رییس دانشگاه تضمین کرد که هیچ‌گونه برخوردی از سمت دانشگاه با دانشجویان معترض صورت نخواهد گرفت. ریاست حراست نیز وعده داد که هیچ پرونده‌ای برای هیچ‌یک از دانشجویان در خلال تجمعات اخیر تشکیل نشده است.

دوشنبه ۱۱ مهر: فراخوان برگزاری تحصن در اعتراض به سرکوب خشونت‌بار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و هتک حرمت دانشگاه و همچنین حمایت از دانشجویان در بند، بامداد ۱۱ مهر منتشر شد. این تجمع بزرگ‌ترین تجمعی بود که تا به آن روز در دانشگاه تربیت مدرس به وقوع پیوسته بود. تعداد جمعیت چیزی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. پلاکاردهایی در دست برخی دانشجویان دیده می‌شد هر یک حامل بخشی از ترانهٔ «برای»؛ در میان آن‌ها هم‌چنین نوشته شده بود: «برای دانشجویهای شریف‌مان». در آغاز تجمع، در همبستگی با دانشجویان دانشگاه شریف، بیانیهٔ انجمن اسلامی دانشگاه شریف قرائت شد. این بیانیه، که یکشنبه ۱۰ مهر را «روز خونین» توصیف می‌کرد، با این مطلع آغاز شد: «انا لله و انا الیه راجعون. ما فاتحهٔ این دانشگاه را خواندیم. ما فاتحهٔ این وزارت علوم را خواندیم، ما فاتحهٔ این دولت را خواندیم.» دانشجویان با سر دادن شعارها به راه افتادند: «زن، زندگی، آزادی»، «آزادی حق ماست، شریف اسم رمز ماست»، «آهای آهای دانشگاه‌ها، شریف بعدی از شماست»، «دانشجو بیدار است، از استبداد بیزار است»، «خیابونا غرق خون، استادامون خفه خون»، «نه توسری، نه روسری، آزادی و برابری»، «ایران شده میدون جنگ، تو دشمنی یا هم‌وطن»، «دانشجوی شریف‌مون آزاد باید گردد»، «دانشجو داد بزن، شریفو فریاد بزن»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «زاهدان، کردستان، چشم و چراغ ایران»، «دانشگاه، خیابان، خونین تمام ایران»، «استاد، دانشجو، اتحاد اتحاد»، «به من نگو فتنه‌گر، فتنه تویی ستمگر... نیروهای حراست در تلاش بودند تا مانع رسیدن دانشجویان به سردر دانشگاه شوند، در عین حال مانع بروز تنش میان نیروهای بسیجی و دانشجویان معترض شدند. در نزدیکی سردر دانشگاه، دانشجویان متوقف شده و به شعار دادن ادامه دادند: «نه این وری، نه اون وری، خداحافظ دیکتاتوری»، «مرگ بر دیکتاتور»، «سپاهی جیره‌خور، آخرشه خوب بخور»، «بسیجی سان‌دیسو، بردار و برو»، «حیدر حیدر شعارشون، جنایت افتخارشون» ... در رخدادی بی‌سابقه، هنگامی که دانشجویان، به نزدیکی نرده‌های دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران رسیدند، دانشجویان تهران نیز از آن سوی نرده‌ها به شعارهای دانشجویان تربیت‌مدرس پاسخ دادند. همبستگی دانشجویان دو دانشگاه در دو

سوی نرده‌ها، با شعار «تهران، مدرس، اتحاد اتحاد»، «اگه با هم یکی نشیم، یکی یکی تموم میشیم»، صحنه‌ای بدیع در حافظه تاریخی دانشجویان این دو دانشگاه آفرید.

دانشجویان بازداشتی، یکی روز سه‌شنبه ۱۲ مهر پس از ۱۴ روز و دیگری، پنج‌شنبه ۱۴ مهر پس از ده روز بازداشت، آزاد شدند.

شنبه ۱۶ مهر: روز قبل، فراخوان برگزاری تحصن در اعتراض به سرکوب فراگیر دانشجویان و فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه‌ها و هتک حرمت دانشگاه و همچنین حمایت از دانشجویان دربند منتشر شد. جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر در تجمع حاضر بودند. به سیاق تجمع‌های گذشته، ظهر حوالی ساعت ۱۲ و نیم هسته اولیه در مقابل ساختمان مرکزی شکل گرفت. سپس دانشجویان با شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی» و «دانشجوی باغیرت، حمایت حمایت» در دانشگاه راهپیمایی کردند و در راه به سمت سردر، به دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، که آن سوی نرده‌ها شعار می‌دادند، پیوستند: «خیابونا غرق خون، استادامون غرق خون»، «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه».

یکشنبه ۱۷ مهر: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، پس از ۱۷ روز، از زندان آزاد شد.

۱۹ مهر: روز قبل، فراخوان تحصن در اعتراض به سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مردم، برخورد خشونت‌آمیز با دانش‌آموزان و تداوم بازداشت‌های گسترده دانشجویان در سراسر دانشگاه‌های ایران منتشر شد. تجمع با جمعیتی حدود ۷۰ الی ۸۰ نفر برگزار شد. پس از هم‌خوانی با سرودهای «برای»، «یار دبستانی»، «سرود زن» دانشجویان شعار می‌دادند: «هرچه می‌گویم نمی‌آید جواب، خونتان خون است و خون ما چو آب؟»، «سنندج، زاهدان، خونین تمام ایران»، «آزادی، آزادی، آزادی... دانشجویان در بیانیه خود، که همان روز منتشر شد، ضمن تحسین اعتراضات دانش‌آموزان به سرکوب، ارباب و بازداشت آنان اعتراض کردند و نوشتند: «امروز اما دهه‌ی ۶۰ نیست. امروز ما مردم شما را نظاره می‌کنیم.» و در معنای شعار «زن، زندگی، آزادی» اعلام کردند: «ما نیک می‌دانیم که درجه رهایی زنان در هر جامعه بیانگر درجه رهایی همگان در آن جامعه است و جنبشی که با رهایی زنان پیوند خورده باشد، نفی هرگونه طرد و تبعیض و به‌حاشیه‌راندن را افق خود قرار می‌دهد. ما خواهان زندگی هستیم، زندگی خوب! خواهان آن که همواره ناگزیر از پنهان کردن شادی و اندیشه و عشق در پستوی خانه نباشیم. اکنون بیش از هر زمان دیگری بر ما آشکار شده که در این مختصات «زندگی» ممکن نیست، نه تنها زندگی خوب، که «زندگی معمولی» هم. و در این دقیقه است که بیش از هر زمان دیگری می‌توان تصدیق کرد سعادت امری جمعی است، چنان که نگویند بختی». دانشجویان بیانیه را با تأکید بر ضرورت تداوم اعتصابات به پایان بردند: «در این روزها که دقیقه‌ای مهم و سرنوشت‌ساز از تاریخ معاصر میهن‌مان را تجربه می‌کنیم، نمی‌توانیم عضوی از دانشگاه باشیم و

سرکوب فراگیر و کشتار بی‌رحمانه‌ی هم‌سرنوشت‌هامان را ببینیم و در سکوت به کلاس‌های درس بازگردیم. ما با صدای بلند اعلام می‌کنیم که در کنار مردم ایستاده‌ایم و این برخوردهای خونین و خشونت‌بار را محکوم می‌کنیم.»

شنبه ۲۳ مهر: فراخوان تجمع در همبستگی با مردم و در اعتراض به سرکوب وحشیانه‌ی مردم بی‌دفاع در خیابان‌ها، برخوردهای امنیتی در دانشگاه‌ها و مدارس و بازداشت‌های گسترده منتشر شد. در آغاز تجمع اسامی کودکان کشته شده در طول قیام، با ذکر سن و محل کشته شدن آن‌ها، قرائت شد و برای اعلام همبستگی دقیقه‌ای سکوت شد. تجمع دانشجویان با سر دادن شعار و راهپیمایی در دانشگاه ادامه یافت. برخی از شعارهای این تجمع: «بسیجی، سپاهی، ننگ به نیرنگ تو، خون جوانان ما می‌چکد از چنگ تو»، «کودک‌کشی، کودک‌کشی، شرم بر آیین‌تان»، «به من نگو فتنه‌گر، فتنه تویی ستمگر»، «مگس هرز تویی، زن آزاده منم»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «ما حرف حق که گفتیم، صدای تیر شنفتیم»، «دانشگاه و مدرسه، سرکوب و کشتار بسه». جمعیت تقریبی حاضر در تجمع حدود ۱۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. تماس‌های تلفنی نهادهای اطلاعاتی و ارباب برخی دانشجویان توسط اساتیدشان از علل کاهش جمعیت در این تجمع بود.

یکشنبه ۲۳ مهر: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پس از تحمل ۲۳ روز بازداشت، آزاد شد.

روزهای سوم، چهارم و هفتم آبان نقطه عطفی در کل تاریخ اعتراضات دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس تا به امروز است.

سه‌شنبه ۳ آبان: روز قبل فراخوان تجمع به مناسبت چهلم مهسا امینی منتشر شد.^۵ در فراخوان آمده بود: «ما خوب نیستیم. از همان روز که طنین صدای مهسا امینی و برادرش را شنیدیم که مظلومانه گفتند «ما اینجا غریبیم». هسته اولیه تجمع، به رسم روزهای گذشته، ظهر مقابل ساختمان مرکزی شکل گرفت و به تدریج بر جمعیت افزوده می‌شد به طوری که در انتهای تجمع به حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر می‌رسید. دانشجویان این بار با عکس‌ها و پلاکاردهای بیشتری آمده بودند و عکس‌های برخی کشته‌شدگان قیام را در محوطه تجمع میان درختان آویزان کردند. در میان پلاکاردها «بخوان که شهر سرود زن شود، که این وطن وطن شود»، «سفر چرا؟ بمان و پس بگیر»، «تو موهات غرق خونه، تو موهات اسم رمز خشممونه» نیز به چشم می‌خورد. پس از نصب عکس‌ها بر درختان، ترانه‌های «سرود زن»، «شب است و چهره میهن سیاهه» (ورژن جدید با صدای زنان)، و «به نام دختران سرزمین آفتاب» توسط دانشجویان هم‌خوانی شد. از جمله شعارهای این روز: «ما تماشاچی نمی‌خواهیم، به ما ملحق شوید»، «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده دانشگاه»، «دانشجو داد بزن، حق‌تو فریاد بزن»، «این نهضت آبان است، دیکتاتوری پایان است»، «قسم به خون مهسا، ایران می‌گردد آزاد»، «نه روسری نه توسری، آزادی و برابری»،

^۵ روز تقویمی چهلم مهسا امینی در حقیقت ۴ آبان بود. احتمالاً از آنجا که دانشگاه معمولاً چهارشنبه‌ها خلوت‌تر از روزهای دیگر است، دانشجویان تصمیم گرفتند یک روز زودتر تجمع چهلم را برگزار کنند.

«تا کی چنین خاک بر سری، کشتن برای روسری»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم»، «جمهوری اسلامی، سرنگون سرنگون»، «نتم شده تری جی، عرض ادب بسیجی». مسیر راهپیمایی در اغلب تجمع‌های پیشین معمولاً از مقابل ساختمان مرکزی، به سمت سلف مرکزی و گاهی دانشکده هنر می‌رفت و با توقف‌هایی مقابل کتابخانه مرکزی و گاه دانشکده علوم انسانی، در نهایت در نزدیکی سردر دانشگاه خاتمه می‌یافت. این بار اما، برخلاف روال معمول، دانشجویان مقابل سلف مرکزی (پسران) توقف کردند و خواستار برهم‌زدن سیاست تحمیلی تفکیک جنسیتی در سلف شدند که با ممانعت بسیج دانشگاه روبرو شدند و دست به برخورد فیزیکی با تنی چند از دانشجویان زدند. در نهایت، دانشجویان موفق شدند وارد سلف شوند و تفکیک تبعیض‌آمیز جنسیتی سلف را برهم‌زنند. جمعیت دانشجویان، دختر و پسر که بالغ بر ۳۰۰ نفر بود، شعار «زن، زندگی، آزادی» و «آزادی، آزادی، آزادی» سر دادند و در نهایت در کنار هم به صرف غذا مشغول شدند.

چهارشنبه ۴ آبان: با اینکه هیچ فراخوانی برای تجمع در این روز منتشر نشده بود، پرجمعیت‌ترین تجمع تاریخ اعتراضات دانشجویی، به صورت کاملاً خودجوش، در این روز شکل گرفت. تعداد دانشجویان حاضر در تجمع تا ۶۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. تجمع از مقابل ساختمان مرکزی آغاز شد و با افزایش همراهی دانشجویان و بیشتر شدن جمعیت، دانشجویان به سمت سلف مرکزی حرکت کردند. در طرف مقابل، حدود ده نفر از بسیجی‌ها که جلوی مسجد دانشگاه جمع شده بودند، پرچم‌های جمهوری اسلامی را تکان می‌دادند و با بلندگو الله اکبر می‌گفتند. بسیجیان راه را بر دانشجویان مسدود کرده بودند تا از حرکت آنها به سمت سلف جلوگیری کنند. دانشجویان با دور زدن از سمت کتابخانه و جلوی دانشکده علوم انسانی خود را به محوطه مقابل سلف مرکزی رساندند که با درهای بسته سالن مواجه شدند؛ درحالی که تعدادی از دانشجویان، که از قبل داخل بودند، گیر افتاده و در نهایت از در آشپزخانه خارج شدند. دانشجویها فریاد می‌زدند: «حراست حیا کن، اون در سلفو باز کن»، «رئیس کیجایی؟ به ما نهار ندادن؟». تعداد زیادی از لباس شخصی‌ها، در کنار نیروی حراست، و با رفتارهای خشن‌تر مشاهده می‌شدند. چند تن از دانشجویان بنر تصاویر موسوم به «شهدای امنیت» را، که مقابل سلف نصب شده بود، پاره کردند که با یورش لباس شخصی‌ها به سمت جمعیت همراه شد و تعدادی از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و در تلاش برای متفرق کردن دانشجویان، جمعیت را دو پاره کردند. نیروهای حراست مدام به دانشجویان گوشزد می‌کردند که شعار ندهند و متفرق شوند اما با شعارهای تند دانشجویان مواجه می‌شدند.

شعارهای اختصاصی امروز که در کنار شعارهای اصلی «زن، زندگی، آزادی» و شعارهای تجمعات پیشین - از قبیل: «همش میگن گفتگو، مرگ بر دروغگو»، «مرگ بر دیکتاتور»، سر داده شد:

^۱ اشاره به سخنان ابراهیم رئیسی، که در یکی از بازدیدهایش به کارگری که از مشکلاتش می‌گفت، پاسخ داد: «ناهار خوردی؟». پاسخ رئیسی دست‌مایه طنز توسط دانشجویان در برخی دانشگاه‌ها شد.

«حسین حسین شعارشون، کشتن افتخارشون»، «چهلیم مهسا شده، کمر نظام تا شده»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «خامنه‌ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک»، «جمهوری اسلامی، سرنگون سرنگون»، «پرچمتو تکون بده، سانديستو نشون بده»، «بسیجی بی‌ریشه، سانديس شرف همیشه»، «خونی که در رگ ماست، خوراک رهبر ماست»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه»،

زمانی که بسیجی‌ها در تلاش برای به تنش کشاندن اعتراضات مسالمت‌آمیز معترضان بودند، یکی از دانشجویان که سعی بر میانجی‌گری میان نیروهای بسیج و دانشجویان داشت، مورد ضرب و شتم بسیجی‌ها قرار گرفت و به اطراف چشم وی جراحت جدی وارد شد. همچنین، در حرکتی تاریخی و برای نخستین بار در تربیت مدرس، چند دانشجوی دختر روسرهای خود را بر فراز سر می‌چرخاندند و شعار می‌دادند.

دانشجویان در نهایت موفق شدند، قفل در سلف را باز کنند و برای دومین بار پیاپی تفکیک جنسیتی سلف مرکزی (پسران) را برهم‌زنند. آنها در حالی که شعار می‌دادند «آزادی، آزادی، آزادی» وارد سلف شدند؛ گفتنی است که دانشجویان دانشکده کشاورزی نیز در حمایت از دانشجویان دانشگاه در این روز تجمعی برگزار کردند و ناهار را دسته‌جمعی در سلف صرف کردند.

فرهاد دانشجو، رییس دانشگاه، در مصاحبه‌ای درباره وقایع امروز، با ارائه تصویری واژگون از حقیقت، گفت: «حراست و دانشجویان بسیجی دانشگاه ... تمام تلاش خود را برای برقراری آرامش در دانشگاه کردند ... اما ۴ - ۵ نفر از معترضین اجازه برقراری آرامش را نمی‌دادند که در نهایت درگیری بین دانشجویان به وجود آمد.» و افزود: «اگر شکایتی از دانشجویان صورت بپذیرد برای برگزاری کمیته انضباطی این دانشجویان فراخوانده می‌شوند.» سپس در جایگاه «پدري» از دانشجویان خواست: «اجازه ندهند احساسات آنها بر منطق و عقلشان غلبه کند.»

شنبه ۷ آبان: تجمع، طبق قرار فراخوان، از حدود ساعت ۱۲، مقابل ساختمان مرکزی، با هم‌خوانی سرود «یار دبستانی» آغاز شد. نیروهای بسیج از پیش برای این روز سازماندهی شده بودند. آنها با پلاکارهایی که در آن شعار «زن، زندگی، شهادت» دیده می‌شد و پرچم‌های جمهوری اسلامی، در برابر دانشجویان معترض صف‌آرایی کرده بودند؛ دانشجویان معترض با سر دادن شعارهای اعتراضی و فریاد آزادی به سمت در اصلی دانشگاه حرکت کردند. بلافاصله نیروهای بسیجی به سوی سردر رفته و موضع گرفتند تا اجازه ندهند دانشجویان به سرنزدیک شوند و صدای شعارهای خود را به گوش مردم خیابان برسانند. بسیجیان که از جمعیت زیاد دانشجویان (تا ۷۰۰ نفر تخمین زده می‌شود) و شعارهای اعتراضی به خشم آمده بودند، چندین بار به جمعیت هجوم آورده یا به بهانه‌های مختلف سعی در ایجا درگیری داشتند. در این زمان دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران نیز پشت حصار دانشگاه تجمع کرده و همراه و متحد با دانشجویان تربیت مدرس شعار می‌دادند. بالاخره حدود ساعت ۱۴ دانشجویان به سمت سلف حرکت کردند. نیروهای بسیج اما در مقابل مسجد، راه را بر دانشجویان بستند. در

برابر صف‌آرایی بسیجی‌ها، دانشجویان شعار می‌دادند: «شاهچراغ، زاهدان، جانم فدای ایران»، «خس‌وخاشاک تویی، لایق این فاک تویی»، «هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم»، «حالا لای‌لای، حالا لای‌لای، بسیجی با خاک ایران دیگه بای‌بای»، «پرچمتو تکون بده، سان‌دیستو نشون بده». صحن بیرون مسجد، کنار مزار شهید گمنام، که همیشه فضای متعلق به مراسم‌های مختلف بسیجیان بوده است، این بار برای نخستین بار زیر پای دانشجویان معترض بود که خطاب به بسیجیانی که راه سلف بر آنان سد کرده بودند، پا بر زمین می‌کوبیدند و شعار می‌دادند. شعارهای سر در: «ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «می‌کشم می‌کشم، هرآنکه خواهرم کشت»، «مرگ بر دیکتاتور»، «دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شمایی»، «شاهچراغ رکس دیگه‌ست، اینم یه نیرنگ دیگه‌ست»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت».

طبق گزارش دانشجویان، دکتر یوسف قویدل، استاد رشته جغرافیای طبیعی، به دانشجویان دختر با فحاشی و انداختن آب دهان به روی آنها توهین کرد. از روز پنج‌شنبه دانشگاه تدابیر امنیتی ویژه‌ای برای بستن راه ورود به سلف اتخاذ کرده بود و چند قفل اضافی به حصار خارجی در جوش داده شده بود. دانشجویان معترض قفل‌ها را یکی پس از دیگری شکستند. در حالی که فقط یکی از قفل‌ها باقی مانده بود، از داخل سلف به صورت دانشجویها اسپری فلفل زدند. اسپری فلفل عصبانیت دانشجویان را بیش از پیش برانگیخت و باعث شد برخی شعارهای تندتری علیه بسیجیان سر دهند که البته در جمعیت دانشجویان حاضر فراگیر نشد. پس از این اقدام سرکوب‌گرایانه، دانشجویان در فضای مقابل ضلع جنوبی سلف، سفره‌های بلندی پهن کردند و کنار هم کلاسی‌هایشان بر سر سفره خالی نشستند و دست در دست هم ندای «آزادی، آزادی، آزادی» سر دادند، سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» خواندند و شعارهای «زن، زندگی، آزادی»... فریاد زدند. این اجرا تا ساعت ۱۶:۳۰ ادامه داشت. سپس گروهی از دانشجویان تصمیم گرفتند از ساختمان علوم انسانی وارد شوند و در شیشه‌ای منتهی به سلف را باز کنند. جمعیت دانشجویان که چند ساعت متوالی، از ظهر، در تجمع بوده و ناهار نخورده بودند، وارد ساختمان علوم انسانی شدند اما به محض ورود به سمت‌شان اسپری فلفل زده شد که شامل حال چند نفر از کادر حراست هم شد و به‌ناچار از ساختمان خارج شدند. شعاردهی و جو متشنج هم‌چنان تا حدود ساعت ۱۸ ادامه داشت. این وقایع باعث شد شام خوابگاه‌های دخترانه نیز، برخلاف رویه مرسوم، در سلف سرویس مرکزی دانشگاه توزیع نشود.

یکشنبه ۸ آبان: با وجود عدم انتشار فراخوان تجمع، حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ تن از دانشجویان تجمع کردند. این بار نیز دانشجویان در راهپیمایی خود در دانشگاه، وقتی به نرده‌های دانشکده مدیریت رسیدند، دانشجویان دانشگاه تهران را فراخواندند. هرچند این بار نیروهای حراست دانشگاه تهران مانع از نزدیک شدن دانشجویان شدند. شعارها همچون شعارهای آخرین تجمعات گذشته بود، از قبیل: «خامنهای ضحاک می‌کشیمت زیر خاک»، «امسال سال

خونه، سید علی سرنگونه»، دانشگاه‌ها غرق خون، استادامون خفه خون»... در نهایت دانشجویان دختر و پسر در اعتراض به ممانعت از حضور در سلف، در فضای مقابل در جنوبی سلف سفره پهن کردند و نهار را با هم صرف کردند. در این روز سلف دانشکده کشاورزی نیز بسته شد و غذا را از پشت شیشه سرو کردند. جمعی از دانشجویان نیز نهار خود را کنار هم در محوطه باز دانشگاه صرف کردند.

در هفته اول آبان، موج احضارها به کمیته انضباطی و تهدید و ارباب دانشجویان شدت گرفت که منجر به فروکش کردن شعله تجمعات گردید.

دوشنبه، ۱۶ آبان، یکی از دانش‌آموخته‌های کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی بازداشت شد.

سه‌شنبه ۲۴ آبان: روز قبل، فراخوان تجمع به مناسبت سالگرد آبان ۹۸ و هم‌گام با فراخوان‌های سراسری به اعتصاب و اعتراض، منتشر شد. به‌رغم فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه و موج احضارها به کمیته انضباطی، حدود ۷۰ الی ۱۰۰ نفر از دانشجویان در تجمع شرکت کردند. تجمع از مقابل ساختمان مرکزی آغاز شد و با راهپیمایی از مسیر همیشگی - توقف مقابل سلف مرکزی و کتابخانه مرکزی - پشت سر در دانشگاه خاتمه یافت. از شعارهای سر داده شده: «۱۵۰۰ نفر، کشته‌ی آبان ماست»، «این آخرین آبان است، دیکتاتوری پایان است»، «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «از زاهدان تا تهران، جانم فدای ایران»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «مرگ بر دیکتاتور»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم»، «ما تماشاگر نمی‌خواهیم، به ما ملحق شوید»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «آهای آهای نشسته‌ها، مهسای بعدی از شماست»، «زن، زندگی، آزادی».

از این تاریخ به بعد امکان برگزاری تجمع به دلیل احضارهای گسترده دانشجویان به کمیته انضباطی و تهدید و ارباب و پرونده‌سازی علیه آنان از یک‌سو و ممانعت نیروهای حراست و بسیج دانشگاه از تشکیل هسته اولیه تجمع‌ها از دیگر سوی، بیش از پیش محدود شد. به همین دلیل تا ۱۶ آذر که آخرین تجمع دانشجویی ۱۴۰۱ بود، تجمع دیگری برگزار نشد.

یکشنبه، ۲۹ آبان، یکی از دانشجویان دکتری ریاضی بازداشت شد.

۱۶ آذر، روز دانشجو: روزی به خاطر ماندنی برای دانشجویان تربیت‌مدرس است. ذکر این نکته می‌تواند در فهم اهمیت تجمع روز دانشجو در دانشگاهی چون تربیت مدرس روشن‌گر باشد که برگزاری تجمع اعتراضی در روز دانشجو، از زمان تأسیس این دانشگاه تا به امروز، سابقه چندانی ندارد.^۷ روز دانشجو اغلب روز مراسم‌های حکومتی

^۷ در آرشیو کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور، که حاوی گزارش‌های فعالیت‌های دانشجویی از اسفند ۱۳۹۴ تا امروز است، تنها تجمع دانشجویی روز دانشجو مربوط به سال ۹۸ است. از سال‌های پیشتر نیز گزارشی در دست نیست.

بوده است تا روز دانشجوی. امسال اما ریاست دانشگاه، مراسم ۱۶ آذر را - احتمالاً از بیم تداخل با اعتراضات دانشجویی - یک روز جلوتر، پانزدهم آذر، با دعوت از قالیباف، رییس مجلس شورای اسلامی، برگزار کرد. دانشجویان از چند روز قبل، در کانال دانشجویی با فراخوان‌های اعتصاب و تحریم کلاس‌های درس و تأکید بر ضرورت شرکت در تجمع به پیشواز ۱۶ آذر رفته بودند. به مناسبت روز دانشجوی، در کلیپی با پس‌زمینه ترانه «سوگند به خون هم‌هانم»^۸ مروری کردند بر اعتراضات زن، زندگی، آزادی در تربیت مدرس. چندین بیانیه به مناسبت این روز در کانال منتشر شد. هسته اولیه تجمع این بار نه مقابل ساختمان مرکزی - که مجهز به دوربین مداربسته شده بود - بلکه ابتدای بوستان فردوس تشکیل شد. به‌منظور عقیم گذاشتن تلاش‌های نیروی حراست و بسیج برای ممانعت از تشکیل هسته اولیه - که در چند فراخوان اخیر رخ داده بود - دانشجویان در کانال توئیتر بارها بر اهمیت حضور رأس ساعت یکدیگر تأکید کرده بودند؛ تدبیری که مؤثر واقع شد. رأس ساعت ۱۲ و نیم بعدازظهر، حدود ۲۰ نفر از دانشجویان، با پلاکاردهایی در دست هسته اولیه را تشکیل دادند. بر پلاکاردها، در کنار عکس برخی کشته‌شدگان قیام، عکس سه دانشجویی به قتل رسیده در طول جنبش و عکس‌های دو بازداشتی تربیت مدرس، این نوشته‌ها نیز به چشم می‌خورد: «می‌بینم آن شکفتن شادی را جشن بزرگ روز آزادی را»، «ساده می‌گوییم: آزادی و برابری»، «زن، زندگی، آزادی نان، کار، آبادی»، «فریاد ما فرید است، پرتو ما زندان است». دانشجویان ضمن تشکیل حلقه انسانی و پیش از قرائت بیانیه، با سرود «یار دبستانی» و «۱۶ آذر»، «وطن ای هستی من» هم‌خوانی کردند. متن بیانیه^۹ با این فراز آغاز می‌شد: «از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ که دانشجویان علیه کودتاگران قد علم کردند تا ۱۶ آذر ۱۴۰۱ که دانشگاه همگام با اکثریت مردم پرچم دادخواهی، عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی را برافراشته، تاریخی طولانی طی شده است... ما این بار ۱۶ آذر را در شرایطی گرمی می‌داریم که دانشگاه طلیعه‌دار جنبشی شده است که می‌خواهد ققنوس آزادی و کرامت انسانی را از خاکستر به‌جای‌مانده از مبارزات صد ساله‌ی مردم، از مشروطه تا انقلاب ۵۷ و از اعتراضات مدنی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تا قیام گرسنگان و تشنگان دهه‌ی ۹۰، به پرواز درآورد... دانشگاه و جنبش دانشجویی امروز در دقیقه‌ای تاریخی قرار گرفته که شاید هیچ‌گاه در سیر تاریخی خود این‌گونه تجربه‌اش نکرده باشد، دقیقه‌ای که شاید بتوان از آن به «هم‌نفس شدن دانشگاه و مردم» تعبیر کرد» و در ادامه اشاره کردند که برخلاف دو دهه ترویج سیاست‌زدایی از دانشگاه و اعمال خصوصی‌سازی، دانشگاه نشان داده که «نه وامدار صنعت‌گران است، نه تکنوکرات‌های عافیت‌اندیش و نه سیاست‌مداران حرفه‌ای» بلکه «دانشگاه امروز در جای درست خود، یعنی کنار مردم بی‌پناه، جان‌به‌لب‌رسیده، مطرود و به‌حاشیه‌رانده شده ایستاده است. کنار کشاورزان اصفهان، کنار تشنگان خوزستان، کنار زیرآوارماندگان متروپل، کنار آن‌هایی که رؤیاهایشان میان پرتاب دو موشک خودی در چند ثانیه بر باد رفت، کنار آبان، کنار آن‌ها که تا واکنش‌های ساخت داخل از راه برسد ویروس امانشان نداد و بدون سوگواری پر کشیدند و درنهایت، کنار خانواده‌های جان‌باختگان و محبوسین در بند.» در فراز پایانی

^۸ قطعه موسیقی «سوگند به خون هم‌هانم»: کاری از دانشجویان دانشگاه فرهنگ و هنر تهران.

^۹ بیانیه شماره دو که در کانال توئیتر دانشجویی منتشر شده بود.

بیانیه آمده بود: «...دانشگاه برای ما صرفاً جایی نیست که بر انباشت علم مان بیفزاییم؛ دانشگاه پیش از هر چیز خانه و فضایی است که حیات مدنی مان را در آن باز می‌یابیم، فضایی که در آن حق‌طلبی، آزادی‌خواهی، خودآیینی و عشق به همدیگر و مردم را همراه با آموختن دانش، به‌نحوی توأمان تجربه می‌کنیم.»

دانشجویان، در حالی که رفته‌رفته بر جمعیتشان افزوده می‌شد، شعار می‌دادند: «زن، زندگی، آزادی»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «از ۳۲ تا امروز نبرد ما خونین بود»، «۱۶ آذر، دانشجو با کارگر»، «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده دانشگاه»، «فریاد ما فرید است، پرتو ما زندان است»، «از زاهدان تا تبریز، فقر و فساد و تبعیض»، «کرد و بلوچ زندگی، علیه این بردگی»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «فرید مرادی آزاد باید گردد»، «پرتو شهوندی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور» تجمع‌کنندگان شعارگویان شروع به راهپیمایی کردند: به سمت سلف مرکزی و پس از توقفی مقابل کتابخانه مرکزی به سمت سر در دانشگاه به راه افتادند. نرسیده به سردر، نزدیک حصار دانشکده مدیریت تهران، نیروهای حراست و بسیج و کارمندان لباس شخصی دانشگاه از پیشروی دانشجویان به سمت سردر ممانعت به عمل آوردند. بسیج و لباس شخصی‌ها با رفتاری توهین‌آمیز قصد ایجاد تنش و درگیری داشتند اما دانشجویان برای اجتناب از ایجاد خشونت و زدوخورد فضا را مدیریت کردند به ابتدای بوستان فردوس بازگشتند. باقی شعارها از این قرار بود: «دانشگاه و مدرسه، سرکوب و کشتار بسه»، «جان‌هایمان آزاده‌ست، سرکوبتان بیهوده‌ست»، «دانشگاه امنیتی نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، «دانشجو بیدار است، از استبداد بیدار است»، «دانشجو داد بزن، حقتو فریاد بزن»، «لحظه به لحظه گویم، زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا آزادی»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه»، «اون تروریست تو هستی، گردو به تهمت بستی»، «آزادی حق ماست، قدرت ما جمع ماست»، «از آسمان ایران خون اگر ببارد، دانشجوی مدرس قصد تسلیم ندارد»، «می‌جنگیم می‌میریم، ایرانو پس می‌گیریم»، سیستم فاسد نمی‌خوایم، رژیم قاتل نمی‌خوایم». دانشجویان با هم‌خوانی با سرود «برپاخیز برای زن، زندگی، آزادی» تجمع را خاتمه دادند.

سه‌شنبه ۲۲ آذر دانشجوی دکتری ریاضی، پس از تحمل ۲۳ روز بازداشت، آزاد شد.

دوشنبه ۲۸ آذر یکی از دانش‌آموخته‌های کارشناسی ارشد هنر بازداشت شد و در ۱۹ دی، پس از ۲۲ روز بازداشت، آزاد شد.

شنبه ۸ بهمن دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، پس از ۸۳ روز بازداشت، از زندان فشافویه آزاد شد.

۲-۲- تحصن‌ها

در اعتراضات مهر و آبان، هرچند بسیاری از فراخوان‌ها دعوت از دانشجویان به تحصن بود اما در عمل به دلیل حضور جمعیت قابل توجه دانشجویان، تجمع و راهپیمایی شکل می‌گرفت. روال اغلب به این صورت بود که تحصن دانشجویان حدود ۱۵ الی ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامید. دانشجویان پلاکاردها دست دور هم می‌نشستند و با برخی سرودها همراهی می‌کردند. اما به محض پیوستن جمعیت بیشتری از دانشجویان، تحصن تبدیل به تجمع و راهپیمایی در دانشگاه می‌شد. در میانه اعتراضات، ۱۷ مهر، گروهی حدوداً ۲۵ نفره از دانشجویان، برای نخستین بار بدون هیچ فراخوانی و به صورت خودجوش، مقابل ساختمان مرکزی دست به تحصن زدند و بیانیه‌ای قرائت کردند. دانشجویان کاغذهایی را بر روی دیوار مقابل ساختمان مرکزی، که از آغاز اعتراضات دانشجویی به قرق عکس‌ها و پوستره‌های بسیجیان درآمده بود، چسباندند. روی کاغذها نوشته بودند: «زن، زندگی، آزادی»، «عدالت، آزادی»، «نمی‌خواهیم بمیریم»، «زاهدان، کردستان، خونین تمام ایران»، «دانشگاه‌ها غرق خون، استادامون خفه خون»، «نه توسری، نه روسری، آزادی و برابری»، «حیدر حیدر شعارشون، جنایت افتخارشون». دانشجویان، به همین شیوه، روز بعد، ۱۸ مهر، نیز به تحصن نشستند.

با گسترش موج احضارها و تهدید و ارعاب دانشجویان توسط کمیته انضباطی و نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه، دانشجویان به اشکال دیگر اعتراض‌های جمعی متوسل شدند. دوشنبه ۹ آبان، در اعتراض به تفکیک جنسیتی در سلف، یک دانشجوی پسر به تنهایی در محوطه بیرون سلف تحصن کرد؛ با پلاکاردی به دست که روی آن نوشته بود: «ناهار مختلط تقلیل مطالبات نیست! شروع مطالبه‌گری است!». ۲۸ آبان در اعتراض به قتل کیان پیرفلک و دیگر کودکان کشته شده در طول جنبش، گروهی ۱۵ نفره از دانشجویان در حالی که در محاصره نیروهای حراست و بسیج دانشگاه بودند، در سکوت تحصن کردند. آن‌ها عکس‌هایی از کیان و دیگر کودکان کشته شده را به همراه قایق کاغذی شناور بر خون در برابر خود گذاشته بودند.

فضای امنیتی اما تحصن در سکوت را هم دیگر بر نمی‌تابید. از این رو گروهی از دانشجویان، در مناسبت‌های مختلف، در جایی به دور از دوربین‌های مداربسته - که حالا تعدادشان بیش از پیش شده بود - برای دقیقه‌ای دور هم جمع می‌شدند و با مخابره تصویری از جمع خود و پلاکاردهای در دست، پیام اعتراضی یا همبستگی خود را منتشر می‌کردند.

۱۶ بهمن دانشجویان در همبستگی با فرهاد میثمی که در زندان در اعتصاب غذا بود، با دست‌نوشته‌هایی چون: «سوگند به پوست نشسته بر استخوان تو، هرگز به تیغ‌شان نمیرد فریاد جاودان ما»، «هدی صابر - میثمی، تاریخ‌تان یک مسیر»، «ایستادگی تا پیروزی»، «عهد ما با تو ایستادگی تا پیروزی، عهد تو با ما حضورت در جشن بزرگ روز آزادی» و تأکید بر سه مطالبه او یعنی «نه به اعدام، نه به حجاب اجباری و آزادی زندانیان سیاسی» حمایت خود را از او نشان دادند.

این شیوه اعتراضی در بهار ۱۴۰۲ نیز ادامه یافت:

اول می، ۱۰ اردیبهشت، به مناسبت روز جهانی کارگر، گروهی از دانشجویان با پلاکاردهای «دانشجو کارگر، اتحاد اتحاد»، «فشار سرکوب بیکاری، زنان شدند قربانی»، «استثمار استبداد، کارگران اتحاد»، «گرانی بیکاری، کارگران زندانی» همبستگی خود را با کارگران اعلام کردند.

و در آخرین مورد، ۳۰ اردیبهشت، در اعتراض به احکام اعدام مجید کاظمی، صالح هاشمی و سعید یعقوبی. دانشجویان این نوشته‌ها را بر دست گرفتند: «کشتار را متوقف کنید، بگذارید نفس بکشیم»، «سکوت ما خیانت، هم‌دستی با جنایت»، «از گلسرخی تا صالح، تاریخ شده سرخ‌واره»، «تبعیض دین و آیین، دیگر بس است به پا خیز»، «اعدام را متوقف کنید».

۲-۳- اعتصاب

با آغاز اعتراضات و به دنبال فراخوان‌های اعتصاب سراسری (۲ مهر)، دانشجویان بسیاری در اعتراض به سرکوب خواسته‌های به حق مردم ایران، دستگیری گسترده معترضان و رپوده شدن دانشجویان از حضور در کلاس‌های درس سر باز زدند. ۷ مهر جمعی از دانشجویان با صدور بیانیه‌ای در کانال توئیتر دانشجویی، اعلام کردند تا آزادی دانشجویان و هم‌دانشگاهی‌های دربند به اعتصاب و عدم حضور در کلاس ادامه می‌دهند. آمار دقیقی از تعداد دانشجویان اعتصاب کننده در دست نیست اما شنیده‌ها حاکی از تداوم اعتصاب برخی دانشجویان تا نیمه دوم آبان ماه است؛ در عین حال گزارشی از لغو کامل یک کلاس درسی تا پایان ترم وجود ندارد. طبق گزارش‌ها اغلب اساتید دانشجویان را تشویق به شکستن اعتصاب و تداوم برگزاری کلاس‌ها می‌کردند. گزارشی مبنی بر همراهی اساتید با اعتصاب‌ها در دست نیست.

در موج دوم، فراخوان‌های اعتصاب برای روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر، به مناسبت روز دانشجو، در دانشگاه منتشر شد و برخی دانشجویان به اعتصاب پیوستند.

۲-۴- هنر اعتراضی

زیر فشار سرکوب و اختناق پادگانی حاکم بر دانشگاه‌ها، هنر اعتراضی نه تنها مفری برای بیان اعتراض به دست می‌داد، بلکه بستری بود برای خلق و تجربه شور همبستگی و تکثیر هم‌گرایی. تربیت مدرس نیز از این حیث مستثنی نبود. در هفته اول مهر، یکی از دانشجویان شال سفید رنگ خود را بر روی حصار مشترک تربیت مدرس و مدیریت تهران برافراشت که روی آن نوشته بود: «زن، زندگی، آزادی». ۲۰ مهر روی در کلاس‌ها و دفاتر اساتید دانشکده هنر دست‌های آغشته به رنگ خون نقش بسته بود. ۲۸ آبان در اعتراض به قتل کیان پیرفلک، قایق

کاغذی شناور بر خون در برابر تحصن‌کنندگان بود. ۱۸ دی در همراهی با هشتگ «من هم شمع‌ی روشن خواهم کرد»، به یاد قربانیان هواپیمای اکراینی، نقاطی از دانشگاه، از جمله کتابخانه مرکزی، با تصاویر کشته‌شدگان همراه با شمع‌های روشن آراسته شد. ۲۱ خرداد ۱۴۰۲، به مناسبت تولد کیان پیرفلک، قایق‌هایی که بر آن‌ها «به‌نام خداوند رنگین‌کمان»، «حکومت کودک‌کش نمی‌خواهیم»، «کیان جان تولدت مبارک» نوشته شده بود، در سطح دانشگاه پخش شد.

۲-۴-۱- کلیپ‌های اعتراضی: از مهم‌ترین اقسام هنر اعتراضی در تربیت مدرس ساخت ویدئوها و کلیپ‌های اعتراضی بود. ۴ آبان کلیپی از مختلط کردن سلف مرکزی در تجمع روز قبل با «عنوان شکستن قفل استبداد و آزادی سلف تربیت مدرس» و کلیپ دیگری از تجمع ۴ آبان، همراه با ترانه‌ای با مضمون «آزادی، آزادی، آزادی..آی از آن روز که من و تو ما شویم، قطره‌قطره جمع چو دریا شویم... منتشر شد. ۹ آبان، در پاسخ به بسیج دانشگاه که با انتشار کلیپی سعی در ارائه روایتی واژگونه از اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویان داشت و تجمع‌ها را اغتشاش خوانده بود، دانشجویان کلیپی تهیه کردند تا نشان دهند آنان که سعی در به‌خشونت‌کشاندن اعتراضات داشتند نیروهای بسیج و لباس شخصی دانشگاه بودند نه دانشجویان. ۱۶ آبان دانشجویان با انتشار کلیپی با پس‌زمینه سرود «به نام دختران سرزمین آفتاب» از عزم خود برای تداوم اعتراضات گفتند. آنها نوشتند: «ما ضمن محکوم کردن استفاده مسئولین دانشگاه از هرگونه سلاح سرد اعم از اسپری فلفل و شوکر و همچنین ضرب و شتم دانشجویان معترض بی‌گناه، تا صورت‌گرفتن برخوردی قاطعانه با افراد مسبب، دست از تحصن و اعتراض نمی‌کشیم.» در آستانه روز دانشجو نیز در کلیپی با پس‌زمینه ترانه «سوگند به خون هم‌رهانم» مروری شد بر اعتراضات زن، زندگی، آزادی در تربیت مدرس؛ با مطلع «سلام شکستگان سال‌های سیاه! تشنگان راه آزادی! خواهران! برادران! سلام»^{۱۰}.

۲-۴-۲- هم‌خوانی با سرودها: «همراه شو عزیز»، «یار دبستانی»، «برای»، «سرود زن»، «شب است و چهره میهن سیاهه^{۱۱}»، «برپاخیز برای زن، زندگی، آزادی»، «به نام دختران سرزمین آفتاب» و «وطن ای هستی من» سرودهایی بودند که در اغلب تجمع‌ها هم‌خوانی شدند. به‌منظور ایجاد هماهنگی بیشتر هنگام هم‌خوانی، متن چاپی سرودها، که روز قبل در کانال توئیتر به اشتراک گذاشته شده بود، در میان تجمع‌کنندگان پخش می‌شد.

۱۰ سلام سعید سلطان‌پور در شب‌های شعر گوته، مهر ۱۳۵۶.

۱۱ ورژن جدید با صدای زنان؛ که در طول قیام منتشر شد

۲-۵- مقابله با تفکیک جنسیتی در سلف

دانشجویان تربیت مدرس در ۳ و ۴ آبان موفق شدند تفکیک جنسیتی تحمیلی در سلف را بر هم بزنند که شرح آن در بخش تجمعها آمده است. دوشنبه ۹ آبان، یک دانشجوی پسر به تنهایی در محوطه بیرون سلف ایستاده بود با پلاکاردی به دست که روی آن نوشته بود: «ناهار مختلط تقلیل مطالبات نیست! شروع مطالبه‌گری است!»

۲-۶- بیانیه‌ها، شب‌نامه‌ها و مدرس‌نامه

در طول خیزش زن، زندگی، آزادی، صدور بیانیه شیوه‌ای رایج برای بیان مطالبات، موضع‌گیری‌های سیاسی اجتماعی، ابراز خشم و انزجار از سرکوب و کشتار و یا همبستگی با مردم و معترضان و دیگر دانشگاه‌ها بود. در برخی تجمعها بیانیه‌ها قرائت می‌شد اما غالباً به دلیل جو امنیتی حاکم بر تجمعها و تحصن‌ها، به انتشار بیانیه در کانال توئیتری دانشجویی بسنده می‌شد. بیانیه‌ها اغلب با امضای «جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس» و گاه مشترک با دانشگاه‌های دیگر منتشر می‌شد. به موازات فروکش کردن تجمعها، ناشی از سرکوب گسترده، انتشار بیانیه‌ها شدت یافت. در ادامه به برخی بیانیه‌ها که به مناسبت‌های مختلف و در زمانی که دیگر امکان برگزاری تجمع مهیا نبود، اشاره می‌گردد: بیانیه ۲۷ آبان در اعتراض به کشتار کودکان از جمله کیان پیرفلک، بیانیه ۹ آذر در حمایت از اعتراض‌های مردمی و محکومیت اقدامات امنیتی در فضای دانشگاه، بیانیه ۱۸ دی به مناسبت سالگرد ساقط شدن هواپیمای اکرایی، بیانیه ۱۶ بهمن در حمایت از فرهاد میثمی که در زندان در اعتصاب غذا بود، بیانیه ۱۶ اسفند در اعتراض به حملات شیمیایی به دانش‌آموزان، بیانیه خرداد ۱۴۰۲ در همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر.

در کنار بیانیه‌ها، توزیع شب‌نامه نیز ابتکار دیگری از دانشجویان بود برای گردش آرا و تبادل نظرات. این شب‌نامه‌ها که عمدتاً در دفاع از فرودستان و کارگران بود هم به صورت چاپی در دانشگاه توزیع می‌شد و هم در کانال توئیتر دانشجویی. متن فراخوان‌ها و شب‌نامه‌های متعددی در خوابگاه‌ها، به خصوص خوابگاه‌های دختران، توزیع شد. به مناسبت روز جهانی کارگر نیز اعلامیه‌هایی حاوی مطالبات و خواسته‌های کارگران به چهار زبان فارسی، کردی، ترکی و عربی منتشر و توزیع شد.

در روز ۱۶ آذر نیز برگه‌هایی با عنوان «آگاهی به قوانین و حقوق» بر روی میزهای کتابخانه مرکزی توزیع گردید. در این نوشته‌ها در چند پرسش و پاسخ ساده به برخی حقوق شهروندی دانشجویان، از قبیل حق تجمع، حق ابراز عقیده، حق اعتراض به عملکرد دولت و حاکمیت، پرداخته بود و در انتها اعلام می‌کرد: «شیوه‌نامه انضباطی جدید نقض حقوق شهروندی است.»

جمعی از دانشجویان و دانش‌آموخته‌های تئاتر دانشکده هنر خطاب به اساتید خود متنی منتشر کردند با عنوان «این صراحتاً یک هشدار است» و از آن‌ها خواستند در اعتراض به سرکوب خونین مردم و نیز بازداشت و ارباب دانشجویان و دانش‌آموزان «در جای درست تاریخ بایستند». این نوشته‌ها بر تخته کلاس و درخت محوطه دانشکده چسبانده شدند.

گاه‌نامه‌ای با عنوان «مدرس‌نامه» در دو شماره در کانال توئیتر دانشجویان منتشر شد که به وقایع روز جامعه و اخبار دانشگاه واکنش نشان می‌داد.

۲-۷- شعاردهی شبانه در خوابگاه‌ها

هم‌گام با شعاردهی‌های شبانه مردم از پشت پنجره خانه‌ها، گزارش‌هایی از همراهی دانشجویان در خوابگاه‌ها، خصوصاً خوابگاه‌های دختران، موجود است. در ویدئویی مربوط به ۱۱ مهر، دوشنبه شب، دانشجویان خوابگاه‌های درون پردیس مرکزی شعار می‌دهند: «زن، زندگی، آزادی»، «ایرانی باغیرت، حمایت حمایت». که واکنش مسئولین خوابگاه‌ها و تهدید دانشجویان در تک‌تک اتاق‌ها را در پی داشت. در ویدیوی دیگری در ۴ آبان، برخی دانشجویان مجتمع خوابگاهی نرگس ۱، ۲ و ۳ (واقع در پردیس مرکزی) شعار «زن، زندگی، آزادی» و «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند.

۲-۸- شعارنویسی

شعارنویسی بر دیوارهای دانشگاه و خوابگاه‌ها شکل دیگری از کنش‌ورزی بود که به‌خصوص با کم‌رنگ شدن تجمع‌های گسترده، برای آشکار کردن شعله اعتراضی که می‌رفت با زور سرکوب به زیر خاکستر مدفون شود، شدت گرفت. در آستانه روز دانشجو این شعارها بر دیوارهای خوابگاه‌ها (عمدتاً دخترانه) و دانشگاه، خصوصاً کتابخانه مرکزی و برخی کلاس‌های درس، دیده شد: «سکوت نکن»، «مرگ بر دیکتاتور»، «بیت رهبری» (بر دیوار توالی): «دانشجو داد بزن، حقت رو فریاد بزن»، «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «خدای رنگین کمان»، «مهسا امینی»، «حکومت بچه‌کش»، «اینا دنبال گردن برای طناب دارشون می‌گردن»، «سفر چرا؟ بمان و پس بگیر»، «۱۰۰۰ بار هم پاک کنی، ۱۰۰۱ بار می‌نویسیم: زن زندگی آزادی». بعد از پاک کردن شعارها: «خون با رنگ پاک همیشه بیچاره»

۲-۹- فعالیت‌های مجازی

در غیاب تشکل‌های رسمی فعال دانشجویی و فقدان فضاهای جمعی شبکه‌ساز در دانشگاه، کانال تلگرامی با عنوان «توییت‌ر دانشجویان تربیت مدرس»^{۱۲}، که از سال ۹۶ فعال بوده است، یگانه راه ممکن برای ارتباط، اطلاع‌رسانی، تبادل نظر و شبکه‌سازی میان دانشجویان دانشگاه بوده است. فراخوان‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و گزارش‌های تجمعات از طریق این کانال هم‌رسانی می‌شدند. دانشجویان در گروه متصل به کانال فرصت گفتگو، بحث، بیان و ابراز نظرات و مواضع خود را دارند. با توقف فعالیت این کانال، کانال جدیدی با عنوان «توییت‌ر پشتیبان تربیت مدرس»^{۱۳} در ۲۳ آبان توسط دانشجویان راه‌اندازی شد^{۱۴}. فعالیت‌های مجازی دانشجویان در دوران جنبش شدت گرفت. از نمونه این فعالیت‌ها می‌توان به روزشمار یادآوری بازداشتی‌های تربیت مدرس اشاره کرد. در نمونه‌ای دیگر، دانشجویان متن‌ها و تصاویری از زندگی خصوصی زندانیان در معرض اعدام منتشر می‌کردند.

در ۳ آبان، در میانه جنبش و با اوج گرفتن دامنه سرکوب، کانال تلگرامی دیگری با عنوان «راسویاب» آغاز به فعالیت کرد که هدف خود را شناسایی و معرفی عوامل سرکوب در دانشگاه معرفی کرد.

در اسناد منتشر شده در کانال شورای صنفی دانشجویان و نیز سایت هرانا با عنوان «افشای اسناد مربوط به سرکوب‌گران در دانشگاه تربیت مدرس» نامه‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد رسول هوشمند، فرمانده بسیج کارکنان دانشگاه تربیت مدرس، از مقامات امنیتی درخواست نموده تا با دانشجویانی که نام آن‌ها به عنوان ادمین کانال‌های توییت‌ر تربیت مدرس و راسویاب معرفی می‌شوند، برخورد شود. او در این نامه، با عنوان «ارسال گزارش تهدید بسیجیان توسط اغتشاشگران»، خطاب به فرماندهی بسیج کارکنان وزارت علوم نوشته است که این دو کانال اقدام به نشر تصاویر بسیجیان کرده‌اند و با ضمیمه کردن لیست بلندبالایی از بسیجیان دانشگاه، مدعی شده آن‌ها مورد تهدید جانی قرار گرفته‌اند.

۲-۱۰- نامه سرگشاده به ریاست دانشگاه ۲۸ آذر

۲۸ آذر جمعی از دانشجویان در اعتراض به فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه تربیت مدرس و تضییع حقوق مدنی و دانشجویی نامه‌ای با حدود ۲۰۰ امضا به ریاست دانشگاه ارسال کردند. فرهاد دانشجو هرگز به این نامه پاسخ نداد.

¹² <https://t.me/tmutweet>

¹³ https://t.me/Tarbiat_Modarres

¹⁴ در حال حاضر، هر دوی این کانال‌ها در تلگرام فعال هستند و توسط دانشجویان مستقل اداره می‌شوند.

بخش سوم) سرکوب در طول قیام و پس از آن

نیروهای فعال در حوزه کنترل و سرکوب دانشجویان را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۳-۱-حراست: حراست دانشگاه تربیت مدرس تا پیش از اعتراضات جنبش زن، زندگی آزادی با چالش و اعتراضاتی به این گستردگی مواجهه نشده بود. پیشتر و در جریان اعتراضات صنفی دهه ۹۰ و نیز اعتراض به سرنگونی هواپیمایی مسافربری توسط سپاه پاسداران، حراست سیاست نظاره‌گری، کنترل و عدم مداخله در جریان اعتراضات را اتخاذ کرده بود. نیروهای حراست در این دهه صرفاً به کنترل درهای جنوبی و شمالی دانشگاه و نیز درهای ورودی دانشکده‌ها اقدام می‌کردند. با شروع خیزش اعتراضی در شهریور ۱۴۰۱ در دانشگاه تربیت مدرس نیروهای حراستی همان سیاست را در پیش گرفتند. آنها در هیچ یک از اعتراضات با دانشجویان درگیر نشدند و تشنجی ایجاد نکردند. در مواردی که نیروهای بسیج و لباس شخصی سعی در به خشونت کشاندن اعتراضات داشتند، حراست با دور نگه داشتن آنان می‌کوشید از بروز تنش و درگیری ممانعت به عمل آورد. این رویکرد اما مانع از نقش حراست در پرونده‌سازی‌ها علیه دانشجویان در کمیته انضباطی نبوده است چراکه حراست، بنا به ماهیت وجودی‌اش، در تقریباً تمامی پرونده‌ها شاکی اصلی دانشجویان بوده است.

از نیمه اول مهر ماه، بخش حراست بانوان به سر در شمال و کمی بعدتر، به در ورودی جنوبی دانشگاه اضافه شد. کمی بعدتر، دستگاه‌های کارت‌خوان در گیت‌های ورودی دانشگاه تعبیه شد. با افول اعتراضات در دانشگاه و جامعه، بر تعداد نیروهای حراست به‌طور چشمگیری افزوده شد. تغییراتی نیز در نیروهای حراست صورت گرفت و برخی شنیده‌ها حاکی از کاهش حقوق پرداختی و حذف برخی مزایا برای کارمندان حراست بود. شایعاتی نیز مبنی بر تعویض ریاست حراست به گوش می‌رسید که تا به امروز فعلیت نیافته است.

افزایش دوربین‌های مداربسته در نقاط مختلف دانشگاه، خصوصاً اماکن تجمع‌های اعتراضی دانشجویان، نیز نمونه دیگری از افزایش اقدامات نظارتی دانشگاه است. امروز کمتر فضایی از دانشگاه باقی مانده که از تیررس دوربین‌ها به دور باشد.

۳-۲- بسیج: بسیج در دانشگاه تربیت مدرس به سه دسته تقسیم می‌شود:

۳-۲-۱- بسیج اساتید: این نهاد با در اختیار داشتن منصب‌های مهم در بدنه هیأت‌های علمی، نقش مهمی را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برخورد با دانشجویان معترض ایفا کردند. این افراد با داشتن حداقل معیارهای علمی و با پشتوانه‌های نظامی و امنیتی توانستند خود را به دانشگاه تحمیل کنند. از چهره‌های شاخص تندرو و سرکوب‌گر بسیج اساتید می‌توان از مجتبی زارعی رئیس سابق بسیج اساتید کل کشور، علی شمس‌الدینی رئیس فعلی بسیج اساتید دانشگاه و یوسف قویدل نام برد.

۲-۳-۲- بسیج کارکنان: نیروهایی که بیشترین حضور را در سازماندهی، ایجاد تنش و درگیری، شناسایی و فیلم‌برداری از دانشجویان معترض داشتند به بسیج کارکنان مرتبط هستند. آنها با در اختیار گرفتن مسجد قدس دانشگاه، ساختمان زیر زمین مسجد با وسعت زیاد، بلندگو، مدام برای دانشجویان ایجاد مزاحمت کردند. از چهره‌های شاخص آنها می‌توان به رسول هوشمند، فرمانده حوزه مقاومت بسیج کارکنان دانشگاه، اشاره کرد.

۲-۳-۳- بسیج دانشجویی: فعالیتهای این گروه در ذیل فعالیتهای گروه قدرتمند بسیج کارکنان قرار دارد. در هنگام اعتراضات تلاش می‌کردند با شعاردهی و دست‌نوشته‌ها با دانشجویان معترض مقابله کنند و با ایجاد تنش خشم دانشجویان را برانگیزند.

فعالیت هر سه گروه بسیج در دانشگاه تربیت مدرس: برگزاری اردوهای زیارتی، برگزاری دعا در مناسبت‌های مختلف مذهبی، انتشار نشریات، موضع‌گیری‌های سیاسی در قالب بیانیه‌ها و سازماندهی برای حمله به دانشجویان در موقعیت خاص اعتراضی است. در اسناد هک شده از سازمان بسیج کارمندان دانشگاه، به نقش فعال این نهاد در حوزه «جلوگیری از اغتشاشات و شناسایی عوامل تجمعات غیرقانونی در دانشگاه» اشاره شده است.

۳-۳- نیروهای لباس شخصی: به نظر می‌رسد این نیروها بخشی از کارمندان عادی و خدماتی در بخش‌های مختلف اداری دانشگاه هستند اما اطلاعات دقیقی از هویت این افراد در دست نیست. اینان نیز در اعتراضات در کار شناسایی، توهین و ایجاد تنش و درگیری با دانشجویان بودند. در گزارش هر جا از لباس شخصی‌ها نام بردیم، اشاره به این گروه از کارمندان بود. در معدود تجمعاتی نیز دانشجویان شاهد نیروهای لباس شخصی ناشناسی بودند که گمان می‌رود از بیرون از دانشگاه به عوامل سرکوب ملحق شده بودند.

دیگر تشکل دانشگاهی دخیل در سرکوب اعتراضات:

۳-۴- انجمن اسلامی دانشجویان مستقل: فعالیت این انجمن در دهه ۹۰ با وقفه‌هایی همراه بود. اما در سال ۱۳۹۹ این انجمن با هدف پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی، احیا شد. این انجمن در تاریخ ۱۰ مهر ۱۴۰۱ با انتشار بیانیه‌ای دانشجویان و مردم معترض را اغتشاش‌گر خواند.

۳-۵- ارباب و پرونده‌سازی در فضای مجازی: یکی از سیاست‌های سرکوب در تربیت مدرس، ایجاد رعب و وحشت و پرونده‌سازی علیه دانشجویان در فضای مجازی بود. از اواسط آبان ماه، محمدحسین پرکره، مشاور ریاست دانشگاه در امور ایثارگران و خانواده شهدا و عضو شورای حوزه بسیج، اقدام به انتشار توییت‌هایی با تصویر دانشجویان، مشخصات شخصی آنها و سناریوهایی تخیلی علیه آنها نمود. او در این توییت‌ها با نشر کذب و افترا

علیه دانشجویان، آنها را تهدید می‌کرد.^{۱۵} اواخر آبان، با گزارش دانشجویان و کاربران توییتر، اکانتش از دسترس خارج شد. مدتی بعد اما کانالی در تلگرام به نام «گاندو» به راه افتاد با محتوای کاملاً مشابه توییت‌های پرکره و با ادعای ارتباط با نهادهای اطلاعاتی کشور. شباهت محتوایی کانال و توییت‌های پرکره، این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که مشاور ریاست دانشگاه و هم‌دستانش، و طبیعتاً با اطلاع ریاست دانشگاه، از کانال جهت ارعاب، تهدید و سرکوب دانشجویان استفاده می‌کنند. همچنین، انتشار اطلاعات خصوصی دانشجویان، از قبیل نام پدر، شماره تلفن همراه و آدرس منزل و محل اقامت - که فقط از طریق سامانه و اسناد آموزش دانشگاه قابل دستیابی است - نشان از همدستی مسئولین دانشگاه با ادمین این کانال دارد. اتهامات و انگ‌های واهی از قبیل دریافت پول از سرویس‌های جاسوسی بیگانه، عضویت در گروهک‌های سیاسی، بیماری‌های روحی و جسمی، اعتیاد، روابط جنسی نامشروع و بسیاری سناریوهای سیاسی تخیلی علیه دانشجویان محتوای این کانال است که هدفی جز تخریب و ارعاب دانشجویان معترض ندارد.

۳-۶- نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه: در کنار نهادهای داخل دانشگاه، نیروهای امنیتی خارج از دانشگاه دست در کار سرکوب دانشجویان بودند. طبق اسناد هک شده، سرکوب دانشجویان تربیت مدرس زیر نظر قرارگاه ثارالله سپاه بوده است. با گسترش اعتراضات و افزایش چشم‌گیر جمعیت دانشجویان شرکت‌کننده در تجمعات، تماس نیروهای امنیتی از شماره خصوصی و ارعاب و تهدید دانشجویان به بازداشت و تشکیل پرونده قضایی نیز، خصوصاً در نیمه دوم مهر ماه به بعد، شدت بیشتری یافت. در موج دوم تماس‌ها، هفته دوم بهمن، احضارهای فله‌ای توسط اطلاعات سپاه صورت گرفت. دانشجویان به دفتر پیگیری احضار شدند و پس از بازجویی وادار به امضای تعهد شدند. موج سوم تماس‌های اطلاعات سپاه به دانشجویان در اواسط مرداد ماه ۱۴۰۲، در میانه تعطیلات تابستانی دانشگاه بود. طبق گزارشات واصله، دستکم ۱۴ تن از دانشجویان به دفتر پیگیری نهاد مربوطه احضار شدند. هدف از این احضارها اخذ تعهد از دانشجویان برای عدم شرکت در تجمعات احتمالی سالگرد ژیناست.

بخش چهارم) کمیته انضباطی

۴-۱- گستردگی احضارها و تعدد پرونده‌ها

^{۱۵} نمونه‌هایی از این توییت‌ها در کانال دانشجویی توییتر تربیت مدرس در دسترس است. <https://t.me/tmutweet/41383>

در حالی که نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه در سرکوب دانشجویان تربیت مدرس پیشتاز بودند و در نیمه اول مهر ماه تماس‌های تلفنی به دانشجویان معترض را آغاز کرده بودند، کمیته انضباطی، از نهادهای سرکوب داخل دانشگاه، نیز نقش خود را ایفا کرد. شیوه‌نامه اجرایی آئین‌نامه انضباطی دانشجویان در آبان ماه توسط وزراتین بهداشت و علوم تصویب و اول آذر ماه به دبیرخانه‌های دانشگاه‌ها ابلاغ شد. در این گزارش به شرح تفاوت‌های شیوه‌نامه جدید با نسخه پیش و چگونگی تضییع حقوق دانشجویان و بستن مفر برای اعتراضات به حق دانشجویان در شیوه‌نامه جدید نمی‌پردازیم: پیش‌تر در کانال شوراهای صنفی دانشگاه‌های کشور بدان پرداخته شده است. ما در این جا صرفاً به رویه‌های غیرقانونی کمیته، که در مواردی حتی ناقض شیوه‌نامه جدید است، می‌پردازیم.

نخستین موج احضار دانشجویان به کمیته انضباطی در روزهای آغازین آبان ماه شدت گرفت. آمار رسمی کل تعداد دانشجویان احضار شده در دست نیست اما آمارهای غیررسمی از احضار بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دانشجو خبر می‌دهند.^{۱۶} تا به امروز حکم قطعی برای هیچ یک از دانشجویان تربیت مدرس ابلاغ نشده است.

۴-۲- غیرقانونی بودن رویه‌ها

نقض اصل قانونی بودن تخلفات و مجازات: با این که شیوه‌نامه جدید از اول آذر به دانشگاه‌ها ابلاغ شد، اما کمیته انضباطی در رسیدگی به پرونده دانشجویان بابت شرکت در تجمعات مهر و آبان به شیوه‌نامه جدید، که مؤخر بر اعتراضات بود، استناد کردند. این خود تخلف آشکار از اصل قانونی بودن تخلفات و مجازات است چراکه عطف به ماسبق نشدن مقررات را نادیده گرفته‌اند. گفتنی است در ماه آذر در تربیت مدرس هیچ تجمعی به جز تجمع روز دانشجو برگزار نشد.

نقض اصل حق بر رسیدگی عادلانه: نخستین شرط برای فراهم کردن امکان دفاع، که اصل بنیادین دادرسی عادلانه است، زمان مکفی میان ابلاغ اتهام و جلسه رسیدگی به دفاعیات است تا دانشجو مجال آماده کردن دفاعیات خود را بیابد. حال آنکه در تمام موارد، دانشجو در نخستین جلسه تفهیم اتهام، بی‌هیچ آمادگی قبلی، وادار به دفاع از خود شده است. طبق اصل حق بر رسیدگی عادلانه تخلف منتسب به دانشجو و تمامی ادله آن باید به صورت روشن و ساده در کوتاه‌ترین زمان به وی تفهیم شود. این درحالی‌ست که در جلسه تفهیم تخلف، کمیته از ارائه هرگونه ادله و شواهدی خودداری کرد و دانشجو حق دسترسی به پرونده و مطالعه اوراق آن را نداشت.

مهم‌تر از همه آنکه بنیادین‌ترین اصل دادرسی عادلانه حق دسترسی به وکیل است که در کلیه موارد، به این بهانه که در شیوه‌نامه ذکر نشده از دانشجو سلب گردید. در حالی که حقوق متکی بر اصول دادرسی منصفانه - مثل حق

^{۱۶} در اسناد هک شده که در مرداد ۱۴۰۲ در گروه‌های دانشجویی منتشر شد، آمار ۵۰ نفر از تربیت مدرس به چشم می‌خورد اما از آنجا که تاریخ این اسناد مشخص نیست، گمان می‌رود این آمار صرفاً موج اول احضارها را شامل شود و آمار کلی بیش از این باشد.

دسترسی به وکیل - نیازی به ذکر در شیوه‌نامه اجرایی ندارد. حق دسترسی به وکیل از حقوق بنیادین بوده و در قانون اساسی ذکر شده است لذا قابل سلب توسط شیوه‌نامه و حتی قانون عادی نمی‌باشد.

عدم رعایت شرایط احضار دانشجو: کلیه احضارها به صورت تلفنی و بدون ارسال احضاریه رسمی و کتبی صورت گرفت. مهم آنکه حداقل بازه زمانی مقرر در شیوه‌نامه - در شیوه‌نامه ۹۸ پنج روز و شیوه‌نامه جدید ۲۴ ساعت است - رعایت نشد و در موارد بسیاری دانشجو را برای همان روز یا صبح روز بعد، احضار می‌کردند. (مدت مقرر ۲۴ خود خلاف حقوق دانشجو است.) بنا بر شیوه‌نامه، دعوت‌نامه بایستی شامل اطلاعات کامل باشد، از جمله: موضوع یا عنوان تخلف انتسابی، علت دعوت و نام و سمت تماس‌گیرنده. حال آنکه در پیامک‌های ارسالی بدون ذکر علت دعوت و همچنین موضوع یا تخلف انتسابی و حتی نام نهاد احضار کننده، صرفاً قید شده بود: «...به ساختمان خوارزمی، اتاق ۱۱۶ حضور بهم رسانید».

جلسات شبه بازجویی: کمیته انضباطی با سوءاستفاده از بی‌اطلاعی دانشجویان از حقوق قانونی خود، جلسات تفهیم اتهام را در فضایی شبه بازجویی برگزار می‌کرد و دانشجو را با سیاست‌های ارعابی و تطمیع وادار به اقرار علیه خود (خلاف اصل ۳۸ قانون اساسی) و در نهایت امضای تعهد مبنی بر عدم شرکت در تجمعات آتی می‌کرد: همچنین ذکری از حقوق دفاعی دانشجو از قبیل هشدار نسبت به اظهارات (اصل ۱۹۵ آیین دادرسی کیفری) در کار نبود و با رفتارهایی خلاف شیوه‌نامه و قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری با پرسیدن سوالات تلقینی سعی در گردآوری ادله علیه دانشجو داشت. چراکه پرونده‌های مفتوحه در کمیته انضباطی بر اساس شکایت حراست بودند و ادله کافی برای صدور حکم در دست نبود.

نقض اصل بی‌طرفی: مطابق اصل ۵ شیوه‌نامه، «شوراها باید در فرایند رسیدگی بی‌طرفانه اتخاذ تصمیم نموده و از صدور حکم بر اساس ملاحظات شخصی، سیاسی، حزبی... اجتناب نمایند.» این در حالی است که دو عضو از اعضای شورای کمیته انضباطی از اعضای بسیج دانشجویی و بسیج اساتید هستند که در طول جنبش موضع‌گیری سیاسی آنها و خصومتشان با دانشجویان بر کسی پوشیده نیست و از این‌رو صلاحیت لازم برای عضویت در کمیته انضباطی را ندارند و با حضور خود استقلال نظر و رأی کمیته در صدور احکام را خدشه‌دار می‌کنند.

اجرای غیرقانونی احکام: ۳۰ آبان گزارش‌هایی مبنی بر قطع دسترسی تعدادی از دانشجویان به سامانه گلستان و سامانه تغذیه و غیرفعال شدن کارت دانشجویی‌شان رسید. آمارهای غیر رسمی از حدود ۲۰ الی ۲۵ دانشجو خبر می‌دهند. اجرای این احکام نه تنها پیش از برگزاری جلسات بررسی تخلفات انتسابی توسط شورای مرکزی صورت گرفته بود بلکه در موارد معدودی تا ترم بعد نیز تداوم یافت بی‌آنکه جلسه‌ای برگزار شده یا حکمی صادر و ابلاغ شده باشد. در چنین شرایطی کارت دانشجویی در مواردی تا چندین ماه غیرفعال شده بود در حالی که حتی

مطابق شیوه‌نامه ضد دانشجویی جدید، ریاست دانشگاه اختیار ممنوع‌الورود کردن دانشجو تا حداکثر یک ماه، تا زمان تعیین تکلیف پرونده در کمیته انضباطی، را داراست.

گفتنی است که فرهاد دانشجو در نشست شورای اول اسفند ۱۴۰۱ ادعا کرد: هیچ یک از دانشجویان دانشگاه تاکنون از کمیته انضباطی برای تعلیق و ... حکمی دریافت نکرده است و علت ممنوع‌الورودی تعداد اندکی از دانشجویان به دلیل مسائل آموزشی و عدم شرکت آنان در کلاس‌های درس بیش از حد مجاز و حذف درس بوده است.

بخش پنجم) اساتید: کنش‌ها و سرکوب

واکنش اساتید در دانشگاه تربیت مدرس به گسترش اعتراضات در جامعه و دانشگاه با کمی تاخیر صورت پذیرفت. در ابتدای اعتراضات تنها این دانشجویان بودند که بار اعتراضی جامعه را همراه با مردم بر دوش کشیدند. در زمان اوج اعتراضات و اعتصابات دانشجویی، نخستین اقدامات دانشگاه جهت مقابله با اعتراضات و شکستن اعتصابات بر عهده برخی اساتید محول شده بود. بعضی از مدیران گروه‌ها و به‌خصوص مدیران راهنما، برخی با زبان عتاب و تهدید و برخی در مقام والدی دلسوز، دانشجویان را ترغیب به شکستن اعتصاب و پرهیز از حضور در تجمعات می‌کردند. اما با گستردگی اعتراضات و خشونت حکومت نسبت به معترضین در خیابان و نیز بازداشت فله‌ای معترضین در دانشگاه‌ها، کم‌کم سکوت جامعه اساتید شکست. واکنش اساتید دانشگاه تربیت مدرس را از دو وجه جمعی و فردی مرور خواهیم کرد.

۵-۱- کنش‌های جمعی

نخستین واکنش جمعی، با همکاری اساتید منتقد دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، شریف، علامه، دانشگاه آزاد در شهرهای مختلف، فردوسی مشهد، خلیج فارس بوشهر، خوارزمی، رازی کرمانشاه، بهشتی، شهرکرد، سندج، ساوه، هرمزگان، علامه، تبریز، چمران، زاهدان، و بیش از پنجاه دانشگاه از شهرهای مختلف در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ با امضای ۱۱۴۵ نفر از مدرسین و اعضای هیأت علمی با انتقاد از حکومت، و نشنیدن صدای مخالفان، هر گونه سرکوب و خشونت را محکوم کردند، و نیز خواستار آزادی فوری دانشجویان زندانی شدند. این بیانیه با امضای ۳۰ نفر از اعضای هیأت علمی و مدرسین دانشگاه تربیت مدرس همراه بود.

انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها^{۱۷} در روز ۱۳ آذر، در آستانه روز دانشجو، بیانیه‌ای در اعتراض به تصویب «شتاب‌زده» شیوه‌نامه جدید اجرائی آئین‌نامه انضباطی دانشجویان منتشر کرد که به قول ایشان «موج جدیدی از نادیده‌انگاری و تزییع حقوق دانشجویان رقم خورده است». آنها ضمن بیان اینکه شیوه‌نامه پیشین به قدر کافی حقوق دانشجو را نادیده می‌گرفت، از شیوه‌نامه جدید انتقاد کردند که «برای دانشجو، در حد یک متهم عادی هم، که از حقوق و تشریفات مندرج در قانون اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری برخوردار است، حقوقی قائل نشده است.» این انجمن همچنین، در تاریخ ۲۵ آذر، با انتشار بیانیه‌ای جنبش زن، زندگی و آزادی را بزرگ‌ترین جنبش اعتراضی در تمام سال‌های پس از انقلاب دانستند. آنها در این بیانیه «افول جمهوریت نظام، ناکارآمدی، به رسمیت نشناختن تکثر و تنوع درون جامعه» را هشدار جدی برای شرایط ایران دانستند.

۵-۲- کنش‌های فردی

تعداد معدودی از اساتید با انتشار توییت یا بیانیه حمایت آشکار خود را از مردم و دانشجویان معترض ابراز کردند. سوم مهر، آبتین گلکار، استاد گروه ادبیات روسی، نوشت: «این روزها دانشجویان ما نشان داده‌اند که مثل همیشه در مطالبه‌گری، شهامت در بیان صریح عقیده و انزجار از دروغ و ریا از استادان خود پیش افتاده‌اند. بکوشیم این درس را از آن‌ها بیاموزیم و در کنارشان بایستیم.»

در همین روز، هاشم آقاجری، استاد گروه تاریخ، بیانیه‌ای منتشر کرد با عنوان «ماشین سرکوب را متوقف کنید، به صدای مردم گوش فرا دهید» او نسبت به فروپاشی و سقوط سیاسی اجتماعی هشدار داد و نوشت: «خشم و کین کنونی را اعتراض نسلی می‌داند که به استخفاف، استعمار، استبداد، نه می‌گوید و خواهان برابری، آزادی و زندگی در شرایطی شرافتمندانه است.» آقاجری در بیانیه دیگری، مورخ ۲۷ آبان، با محکوم کردن کشتار مردم، اعتراضات آبان را نشانگر فوران بغض در گلوی خفته و انباشته سال‌ها تحقیر و نقض حقوق اولیه بشری و شهروندی در این سرزمین دانسته و آینده نظام و ولایت فقیه را تاریک ارزیابی کرد. این استاد گروه تاریخ در سومین بیانیه خود، در ۱۸ آذر، در واکنش به اعدام شماری از جوانان معترض، دفتر جمهوری اسلامی را پایان یافته دانست و شرایط را در راه انقلابی برای تغییر در ایران ارزیابی کرد. از نظر او «دفتر پنجم جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در حال به پایان رسیدن است.»

در همین راستا، مأمورین امنیتی روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، به منزل آقاجری یورش بردند و با توقیف لوازم شخصی، از قبیل لبتاب، او را در تاریخ چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت به دادگاه انقلاب احضار کردند.

^{۱۷} این انجمن تشکلی اصلاح‌طلب است از مجموعه‌ای از اساتید دانشگاه‌های مختلف در سال ۱۳۶۶ تاسیس شد. تعدادی از اعضای انجمن اسلامی مدرسین مانند: تعدادی از اساتید دانشگاه تربیت مدرس از اعضای فعال و مرکزی این انجمن هستند: محمود صادقی، استاد دانشکده حقوق، علی محمد حاضری، استاد گروه جامعه‌شناسی و فرامرز میرزایی از گروه عربی دانشگاه تربیت مدرس

حاتم قادری، استاد بازنشسته گروه علوم سیاسی، در مصاحبه‌های متعدد با رسانه‌های فارسی‌زبان برون‌مرزی، وضعیت ایران را در سراسیبهی سقوط ارزیابی کرد و با هشدار نسبت به فروپاشی اجتماعی، هیچگونه چشم‌انداز روشنی برای آینده ایران در نظر نگرفت. او در بخش دیگری از گفته‌هایش اشاره کرد: «حکومت زور دارد اما اقتدار نه.»

محمود صادقی، استاد گروه حقوق و نماینده سابق مجلس، ۱۸ آذر، در توییتی نوشت: «آتش خشم معترضین شعله‌ورتر خواهد شد. اعدام متهمی که از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده هم ناقض اصل ۳۵ قانون اساسی و هم ناقض پیمان‌های بین‌المللی است که ایران عضو آنها است مغایرت دارد. صدور احکام شداد و غلاظ نه تنها باعث فروکش کردن اعتراضات نخواهد شد بلکه آتش خشم معترضین را شعله‌ورتر خواهد کرد.»

تا به امروز گزارشی رسمی از اخراج یا قطع همکاری با هیچ یک از اساتید دانشگاه تربیت مدرس منتشر نشده است. هرچند شنیده‌ها حاکی از فشارها بر برخی اساتید در ماه‌های اخیر بوده است.